



خرّوه

تحکیم خانواده

در

نهج البلاغه

دکتر بخشعلی قنبری

دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی



مقتضیات نوشتاری

جزوه
تحکیم خانواده در نهج البلاغه

دکتر بخشعلی قنبری
ویراستار و صفحه‌آرا: لعیا هاشمی اقدم
انتشارات نوشناخت
چاپ نخست: تابستان ۱۳۹۸
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۸۰۰۰ تومان
حق چاپ و نشر محفوظ است.



۰۹۲۲۱۵۰۸۷۳۴
www.noshenakht.com
info@noshenakht.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۸	تاریخچه خانواده
۸	خانواده در دین یهود
۹	مراحل شرعی ازدواج در آیین یهود
۹	نخستین خانواده ایرانی
۱۰	خانواده در دین زردشتی
۱۱	آیین بودایی
۱۲	تائوئیسم و کنفوسیانیسم
۱۳	هندوئیسم
۱۳	خانواده و روابط خانوادگی در آیین هندو
۱۴	مراتب ساختاری روابط افراد در خانواده هندو
فصل اول: معرفت‌شناسی خانواده	
۱۷	تعریف خانواده
۱۷	اهمیت خانواده
۱۷	جایگاه خانواده
۱۸	آموزش و افزایش اطلاعات در خانواده
۱۹	الف) کلیدهای اساسی آموزش در نامه ۳۱
۱۹	ب) افراط و تفریط در آموزش فرزندان
فصل دوم: وجودشناسی خانواده	
۲۱	ضرورت تشکیل خانواده
۲۲	عوامل پایداری خانواده
۲۲	۱) ازدواج
۲۴	۲) اخلاق
۲۷	۳) تربیت صحیح فرزندان
۲۷	۴) ابراز محبت و ایجاد مودت
۲۹	مسئولیت‌پذیری و عواطف
۳۱	گشایش برای اهل خانه
۳۲	آثار تشکیل خانواده
۳۳	موانع استحکام خانواده
فصل سوم: خدا و خانواده	
۳۵	خانواده مصداق تعاون نیک
۳۶	ویژگی‌های الهی و دینی منزل مسکونی

فصل چهارم: عوالم و خانواده

اصالت آخرت ۳۷

فصل پنجم: نسبت انسان و خانواده

روابط خانوادگی ۴۱

فصل ششم: ارزش‌شناسی خانواده

الگوی خانواده مستحکم از نظر اسلام ۴۳

(۱) مشی آرام و بی‌تکبر ۴۴

(۲) حلم و بردباری ۴۴

(۳) سجده و قیام برای خدا ۴۴

(۴) ترس از کیفر الهی ۴۵

(۵) دوری از افراط و تفریط ۴۵

(۶) تواضع ۴۵

(۷) دوری از سختگیری و اسراف ۴۵

(۸) پرهیز از ارزش‌های اشرافی ۴۶

فصل هفتم: وظیفه‌شناسی خانواده

(۱) پاک‌دامنی ۴۹

(۲) مشاوره با یکدیگر ۵۰

(۳) جریان عشق، مهر و محبت میان اعضای خانواده ۵۱

(۴) عدالت در خانواده ۵۲

(۵) عدم انتظارات نامعقول ۵۳

(۶) تعاون و همکاری و تقسیم کار ۵۳

(۷) گفتوگوی صمیمی ۵۴

(۸) توجه به ظرایف روحیات همسر ۵۴

(۹) سازگاری ۵۵

(۱۰) پرهیز از تقاضاهای نامقدور ۵۵

(۱۱) تشویق و ترغیب ۵۶

(۱۲) هنر گوش دادن ۵۶

(۱۳) پاسخ مثبت به خواسته‌های جنسی همسر ۵۷

(۱۴) عدم سوءظن و غیرت بی‌مورد نسبت به همسر ۵۷

(۱۵) صبر و تحمل یکدیگر ۵۷

(۱۶) هم‌پوشانی عیوب یکدیگر ۵۹

مقدمه

خانواده اولین و مهم‌ترین نهادی است که زن و مرد با هم‌فکری و تفاهم همراه با مهر و محبت آن را تشکیل می‌دهند. در منابع اسلامی اعم از آیات و روایات صادرشده از حضرات معصومین (علیهم‌السلام)، خانواده از جایگاه والا و بسیار ارزشمندی برخوردار گشته است. بنابراین با توجه به گستره، زوایا و رویکردهای مختلف خانواده و مباحث آن، در این اثر سعی شده تنها عوامل تحکیم‌بخش و تقویت‌کننده مناسبات خانواده با تمسک به کلمات و سلوک امام علی (ع) مورد بحث و تبیین واقع گردد.

خانواده، درعین حال که هسته اصلی جامعه را تشکیل می‌دهد، تأثیر مستقیمی بر تحولات و رخدادهای جامعه خواهد داشت. اهمیت معرفی خانواده امام علی (ع) به‌عنوان یک خانواده الگو، سالم و دست‌یافتنی، ضرورت تأمل و تدبیر در این خانواده‌ی پر از حکمت و عطوفت را آشکارتر می‌سازد. از سویی دیگر ضرورت بررسی خانواده این امام همام که از لحاظ تاریخی در حساس‌ترین مقطع و از نظر مشکلات و رنج‌ها، دوران سکوت ۲۵ ساله و دوران حکومت نزدیک به ۵ سال را تجربه نموده است و درعین حال نوع برخورد و سلوک هر یک از اعضای این خانواده با مسایل، مشعل فروزانی فرا روی بشریت برای الهام‌گیری و تمسک‌جویی دایمی برای همیشه اعصار خواهد بود.

خانواده خمیرمایه و سنگ‌بنای جامعه بزرگ انسانی است. در نظام خانواده، هر یک از اعضا جایگاه خاص خود را دارند که با جایگاه دیگری متفاوت است. در بین اعضای خانواده، مرد دارای جایگاهی مهم و تأثیرگذار است. از یکسو به‌عنوان همسر، تأمین‌کننده‌ی نیازهای روانی، عاطفی، مادی و معنوی همسر خویش است و از سویی دیگر به‌عنوان پدر، مسئولیت سرپرستی، حمایت و هدایت فرزندان را به‌عهده دارد. از

دیدگاه امام علی^(ع) اساس و بنیان خانواده‌ی اسلامی بر محور صمیمیت و محبت بنا شده است. با توجه به اینکه سرسبزی و شادابی کانون خانواده به حضور بانشاط زن بستگی دارد و زن موجودی عاطفی است و نشاط وی به محبت مرد وابسته است، لذا در روایات و سیره‌ی معصومین^(ع) و امام علی^(ع)، در مورد محبت مرد به همسر خویش سفارش بسیار شده است و البته این محبت گرچه در رفتار مرد نشان داده می‌شود، لیکن لازم است به زبان نیز ابراز گردد. رفتار و برخورد حضرت علی^(ع) با همسر و فرزندان خویش، به گونه‌ای بود که نه تنها عطر عشق و علاقه را در زندگی میان زن و شوهر و پدر و فرزند جاری می‌ساخت، بلکه باعث استحکام بنیان خانواده در سخت‌ترین شرایط می‌گردید. بعد از آن، این اصل در زندگی امام^(ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد که محبت و علاقه‌ی فراوان آن حضرت به اعضای خانواده، هرگز مانع اجرای احکام و اوامر الهی نسبت به خانواده نبوده است. حضرت در اجرای احکام و اوامر الهی هیچ تفاوتی بین خانواده‌ی خویش و افراد دیگر قایل نبودند. از آنجایی که مرد به‌عنوان سرپرست خانواده شناخته می‌شود، علاوه بر محبت نسبت به اعضای خانواده، وظایفی را در قبال همسر و فرزندان خویش برعهده دارد. در فصل آخر به وظایف حقوق همسر و فرزندان تحت عنوان وظیفه‌شناسی از دیدگاه امیرمؤمنان علی^(ع) پرداخته می‌شود.

تشکیل خانواده در اسلام، مسئله‌ای حیاتی و برنامه‌ای عالی است که اگرچه بر مبنای مقررات و قوانین قرآنی، روایی و شرعی، جامه عمل می‌پوشد اما نخستین مایه‌های آن به‌صورت غریزه، محبت، عاطفه و اشتیاق متقابل زوج به اراده‌ی حکیمانه حضرت باری تعالی در نهاد انسان قرار داده شده است. ایجاد آرامش و مودت بر اثر ازدواج از نشانه‌های لطف خداوند می‌باشد.^۱ به‌علاوه محکم‌ترین و برترین برنامه برای جلوگیری از گناه و صیانت جامعه و نجات دادن نسل جوان از سقوط در باتلاق منکرات، ابتدال و فحشا، ازدواج می‌باشد. بر این اساس در مرحله اول بر والدین، اقوام و نهادهای ذی‌ربط واجب است که نسبت به ایجاد مقدمات این سنت الهی و حرکت

مقدمه | ۷

پسندیده اقدام کنند و با دستان خویش با ساده‌ترین روش، زمینه‌ی پیمانی پاک را فراهم آورند. در مرحله بعد بر پسران و دختران است که بنای زندگی سعادت‌مندان‌های را به دور از تکلفات و با اجتناب از شرایط سخت برپا نمایند. البته این موضوع با مقدماتی انجام می‌پذیرد.

این کتاب بر آن است با روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه متون دینی، به‌ویژه روایات و علی‌الخصوص نهج‌البلاغه، خانواده را در نسبت موضوعات هفت‌گانه معرفت، وجود، خدا، جهان، انسان، ارزش و وظیفه‌شناسی را با خانواده در کلام امام علی (ع) با تأکید بر نهج‌البلاغه را موردبررسی قرار دهد.

در پایان مثل سایر آثار از عزیزانی که مرا در تنظیم و نگارش این اثر کمک کرده‌اند، سپاسگزاری کنم. طبق معمول از کمک همسر عزیزم سرکارخانم لعی‌هاشمی اقدام تشکر وافر دارم و نیز از سرکارخانم معصومه فاطمی گرکانی هم سپاسمندم که هر دو بزرگوار کمک‌های زیادی به این بنده کرده‌اند.

بخش‌علی قنبری

۱۹ شهریور ۱۳۹۸

برابر با عاشورای حسینی

سال ۱۴۴۰ ق.

تاریخچه خانواده

قدمت خانواده را می‌توان به اندازه قدمت تاریخ بشریت دانست. درباره نخستین انسان روی زمین دو نظر اصلی وجود دارد که یکی نظریه ادیان و دیگر نظریه تاریخ‌نگاران است. ادیان، آدم و حوا را نخستین انسان‌های روی زمین می‌دانند؛ به تبع اولین خانواده هم مربوط به این انسان‌ها خواهد بود. آن چنان که از کتاب‌های مقدس ادیان به‌ویژه عهد عتیق استفاده می‌شود، خداوند بدن آدم را از خاک زمین آفرید و از بدن او حوا را آفرید. به این ترتیب اولین خانواده در تاریخ بشر تشکیل شد. بی‌تردید مرور بر تاریخ خانواده می‌تواند علاوه بر آشنایی با تطور تاریخی خانواده برای ما انسان‌هایی که در این برهه از زمان قرار گرفته‌ایم درس‌آموز باشد. این درس‌آموزی می‌تواند ما را در بهتر شدن زندگی خانوادگی کمک شایانی بکند.

خانواده در دین یهود

دین یهود بنا بر نظری قدیمی‌ترین دین الاهی است. در این دین خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. یهودیت برخلاف مسیحیت و همانند اسلام، امتناع از آمیزش جنسی را ارزش به حساب نمی‌آورد. قانون خاخمی ازدواج و تولیدمثل را برای تمامی مردان لازم دانسته و حقوق ازدواجی‌ای به زنان می‌دهد. تنخ در جاهای متعددی راجع به تولیدمثل و موضوعات مربوطه به آن صحبت می‌کند. به‌عنوان مثال در کتاب پیدایش فصل یک، آیات ۲۸-۲۹ این‌گونه بیان می‌کند: پس خدا انسان را شبیه خود آفرید. او انسان را زن و مرد خلق کرد و ایشان را برکت داده، فرمود: «بارور و زیاد شوید، زمین را پُر سازید، بر آن تسلط یابید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیوانات فرمانروایی کنید.»

تنخ همچنین مرز بین آمیزش جنسی مشروع و غیرمشروع را مشخص کرده و ازدواج با محارم، زنا، هم‌جنس‌گرایی مرد، آمیزش با حیوانات و آمیزش با زنی که در عادت ماهانه است را ممنوع می‌کند. محقق بنام دیوید بیال معتقد است که انگیزه برخی از این قوانین جلوگیری در اختلال در تولیدمثل و یا از بین بردن خطوط شجره‌نامه‌ای است. برخی از پیامبران در تنخ بت‌پرستی را به‌صورت استعاره‌ای «زنا

علیه خدا» در نظر گرفته‌اند (کتاب یوشع ۱-۲، کتاب حزقیال ۱۶)^۱. از این جهت ابتدا به بررسی جایگاه خانواده در این دین می‌پردازیم.

مراحل شرعی ازدواج در آیین یهود

آیین شرعی ازدواج دارای دو مرحله است. مرحله نخست، مرحله نامزدی است که از تمام اعتبار یک ازدواج برخوردار است، ولی حقوقی [مادی مانند تأمین معاش برای زن یا در بشر بودن شوهر از زن] را برای طرفین ایجاد نمی‌کند. در مرحله دوم، در حضور ده انسان مذکر بالغ، شوهر زن را به خانه‌اش می‌برد. برای این منظور، حوفا (سایبان یا حجله) به عنوان خانه‌ای نمادین برپا می‌شود تا برگزاری مراسم را در هر مکان دلخواه، ممکن سازد. از آن پس، زن همسر آن مرد خواهد بود. در زمان اجرای این مراسم، برکت‌های مخصوص مراسم نامزدی و ازدواج قرائت می‌شوند. با این حال، ازدواج اساساً عملی ماهیتاً قانونی - مدنی است. رویه مرسوم یهودی در دعوت از یک خاخم برای اجرای مراسم ازدواج، به اواخر قرون میانه برمی‌گردد و تا حدی تقلید از یک رسم مسیحی، و به کلی فاقد اهمیت دینی است.^۲

نخستین خانواده ایرانی

نخستین اشاراتی که به خانواده ایرانی شده است، به دوران باستان بازمی‌گردد. از ترسیمی‌ترین اجتماعات بشری، آریایی‌ها هستند. معنای کلمه آریا از نظر دینی، پرستنده و قربانی‌دهنده و از نظر اصطلاح علمی، شریف و نجیب، آقا و صاحب‌اختیار است. سه فرشته مذکر اردیبهشت، شهریور و بهمن نام دارند. سه فرشته مؤنث خرداد، مرداد و اسفند نامیده می‌شوند. کوچک‌ترین واحد هر قبیله آریایی، خانواده یا کولا بود. نام پدر که رئیس خانواده نیز به‌شمار می‌رفت، پاتی به‌معنای دارا و مالک یا پیتری به‌معنای خوراک‌دهنده بود. مادر، ماتری خوانده می‌شد. چند خانواده آریایی تشکیل یک عشیره را می‌دادند و چون هر عشیره دارای گاو و گوسفند بود، نام عشیره

1. <https://www.porseman.com/>

2. <https://www.porseman.com/>

را گوترا به معنای محل محافظت گاو می‌نامیدند. به رییس هرگوترا، گوتراپاتی می‌گفتند. عشیره‌ها و خانواده‌هایی که دارای یک چراگاه مشترک بودند را گشتا می‌نامیدند که به معنای چراگاه می‌باشد. در اوستا که پیشینه آن به سال ۱۷۰۰ قبل از میلاد بازمی‌گردد به خانواده، قداست و اهمیت خاص داده شده است. تأثیر اصالت و فرهنگ خانواده و همچنین پیوستگی‌های دودمانی در قصه‌های شاهنامه نیز به خوبی نمایان است.

خانواده در دین زردشتی

اشوزرتشت امر ازدواج را امری مقدس می‌شناسد و دختران و پسران را سفارش می‌کند که با ژرف‌بینی همسر خویش را برگزینند. یسناسنا ۵۳ بند ۵ و اشوزرتشت راه تحکیم خانواده و سعادت‌مند شدن همسران را این پیام اهورایی می‌داند که کوشش کنند که «در پی نیک منشی و مهرورزی از یکدیگر پیشی جویند.» یسناسنا ۵۳ بند ۵ و آیات بسیاری دیگر که ذکر یکایک آنها از حوصله این مقاله خارج است. سنن یا آیین زرتشتی شامل بخش‌های دیگر اوستا و آداب و رسوم زرتشتیان است که از زمان پیامبری رسیدن اشوزرتشت که ۳۷۴۸ سال پیش می‌باشد تا زمان ساسانیان توسط انجمن مغان تنظیم و نگارش شده است. این مجموعه که کیش زرتشتی و بن پایه‌های فرهنگی ایران باستان را می‌سازد، طریقت و شریعت «زرتشتی زیستن» را آموزش می‌دهد.

بسیاری از متون دیگر مانند «اندرز باد مهرآسپند»، «دینکرد»، «بنددهش» و غیره نیز در دسترس است که هرچند جزئی از اوستا به حساب نمی‌آیند. ولی دیدگاه موبدان بزرگ زرتشتی را در خود جای داده است و می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. در همه این متون گران‌قدر کهن که سرچشمه باستانی‌ترین باورها و فرهنگ ایرانیان است، زرتشتیان را به مقدس دانستن امر ازدواج و توجه کردن به بهداشت تن و روان و محیط‌زیست و کامل شدن دو جنس مخالف زن و مرد با پیوند زناشویی و پایبندی کامل به عهد و پیمان و رسیدن به پایه همسری از راه هم تنی و هم روانی و لزوم پدید آوردن فرزندان بسیار و آموزش دین و دانش و پرورش فرهنگ و فنون به‌ویژه

«فرهنگ پارسایی و پهلوانی» و چگونگی دوری کردن از کژاندیشی و دروغ و ناراستی، فرا می‌خواند. که آوردن همه آنها سخن را به درازا خواهد کشانید^۱.

خانواده در اوستا (Nafa) و خانوار (Man) نامیده می‌شد. در اوستا برای زنان و مردان نقش‌های جنسیتی متفاوتی تعیین شده است. باین حال به نظر می‌رسد صرف‌نظر از تفاوت‌های شخصیتی هر کدام از جنسیت‌ها که باعث تعریف وظایفی متفاوت در زندگی اجتماعی آنها می‌شده، زن و مرد در سطحی برابر باهم قرار داشتند. در بیان استعاری گاهاً، از سه فرشته مؤنث و سه فرشته مذکر نام برده شده است که به واسطه پاک‌منشی خویش به اهورامزدا نزدیک می‌شوند. جالب است که بدانیم نام این شش فرشته، نام شش ماه در تقویم کنونی ایرانی است؛ حتی در استعاره‌ها هم، زنان و مردان در جایگاهی برابر باهم قرار دارند.

یکی از مظاهر مقدس برای ایرانیان باستان، فرشته آناهیتا بود که نماد یک زن و مظهر معصومیت، پاکی، راستی، صداقت، آبادانی و باروری است. از ممتازترین خصوصیات یک زن خوب در اوستا که به کرات از آن یاد شده، باروری است؛ به طوری که زوجین بی‌فرزند عملاً ارزشی نداشتند. بی‌فرزندی باعث ننگ بود و به همین دلیل خانواده‌های فاقد فرزند، کودکی را که معمولاً پسر بود، به فرزندی می‌پذیرفتند. ترجیح دادن فرزند پسر به دختر به دلیل داشتن شرایط زیست بومی ایران بود. کمبود دائمی آب که کشت‌و‌زراع بیابان‌های خشک را سخت می‌کرد و مستلزم نیروی کار قوی بود، همچنین تقویت سپاه و لشکر جهت بالا بردن قدرت دفاعی در برابر هجوم قبایل هم‌جوار از جمله دلایل این انتخاب بود.

آیین بودایی

متون مقدس بودایی هنگام بحث در مورد آمیزش جنسی عموماً تمرکز اصلی خود را بر مفاهیم «میل» و «قدرت» قرار می‌دهند. بوداییان امور شهوانی را جزوی از امیال طبقه‌بندی کرده و معتقدند که امیال (به همراه تنفر و جهالت) وجود انسان را آلوده کرده و این آلودگی به وسیله روند باززایی (یا تناسخ) ادامه می‌یابد. متون بودایی

1 <https://www.porseman.com/>

با این استدلال که جهت کاهش آرزوها، شخص باید امیالی که در حال حاضر وجود دارند را تحت کنترل خود درآورد، بر لزوم پاک‌دامنی تأکید می‌کنند و این را در خروج از چرخه تولد مجدد مؤثر می‌دانند. به‌علاوه اعتقاد بوداییان هندی بر این بوده یک راهب با اجتناب از آمیزش جنسی قدرتی روحانی به‌دست می‌آورد؛ در هند این دیدگاه رایج بوده که خروج منی باعث ضعیف شدن مرد می‌شود.

بودایی‌ها از دست دادن انرژی هنگام آمیزش را «مرگ کوچک» نام‌گذاری کرده و رابطه جنسی یک راهب با یک زن را غیراخلاقی و نقض هنجار صومعه می‌دانستند. البته اجتناب از آمیزش از بوداییان معمولی غیر راهب انتظار نمی‌رفت. برخی از راهبه‌ها حتی تا آن حد پیش می‌رفتند که خود را اخته می‌کردند؛ چیزی که واکنش توسط صومعه را در محکوم کردن آن در پی داشت. آمیزش با حیوانات نیز برای راهبان ممنوع بود اگر چه حساسیت روی آن کمتر از حساسیت آمیزش با زن بود. خودارضایی نیز گناه بزرگی محسوب می‌شد که می‌توانست مجازات تبعید موقتی را به همراه داشته باشد. خودارضایی شکست معنوی، اسراف انرژی و نیروی حیاتی به حساب می‌آمد. موضوع دیگری که نگاه بوداییان به آمیزش جنسی را تحت تأثیر قرار می‌داد نگاه آنها به بدن انسان بود. در قرون اولیه، تا پیش از تأثیر تانترا در قرن چهارم میلادی، بوداییان بدن انسان را ناپاک می‌دانستند. خصوصاً بدن زن به‌دلیل جذبه شدید آن برای راهب‌ها و «آلوده شدن» آن با حیض بیش از بدن مرد مورد نکوهش قرار می‌گرفت.^۱

تائوئیسم و کنفوسیانیسم

تائوئیسم و کنفوسیانیسم (از مذاهب چینی) همانند بقیه مذاهب طرفدار تربیت و رشد فرزندان بودند. به‌گفته کنفوسیوس یک مرد نجیب باید از خودش شرم بکند که یک زمین به علت نبود مردان کافی اسراف شود. البته دانشمندان کنفوسیانیسم نسبت به خطر جمعیت زیاد و منابع کم هشدار داده بودند. تائوئیسم طرفدار یک حکومت کوچک با جمعیت کم بود؛ زیرا از دیدگاه آنان جمعیت زیادی می‌تواند نظم

1 <https://www.porseman.com/>

جامعه را به هم بزند. به همین دلیل آنها با برنامه‌های تنظیم خانواده و سقط جنین مخالفتی نداشتند. موضوع دیگری که به این امر کمک می‌کرد این دیدگاه بود که آمیزش جنسی اساساً برای باروری نیست و معتقد بودند که لذت جنسی مشروعیت و هدف خودش را دارد. آمیزش جنسی از دیدگاه آنان مشکلی نبود بلکه طبیعی بود. به گفته فیلسوف Kao-tzu در کتاب منسیوس «ما بصورت طبیعی از غذا و آمیزش جنسی لذت می‌بریم».

تائوئیسم آمیزش جنسی را مقدس به حساب می‌آورد. این تقدس را می‌توان به‌عنوان مثال لغاتی که برای رحم استعمال می‌شود (مانند «قصر بچه‌ها»، «اتاق خواب قرمز»، «حصار جواهر») که همچنین به معنای جاهای خاص و ارزشمندی می‌باشد، دید. همچنین گردنه رحم با نام «قلب گل» و «درونی‌ترین گره» در زبان چینی خوانده می‌شود^۱.

هندوئیسم

خانواده و روابط خانوادگی در آیین هندو

روابط میان افراد در خانواده هندو باید در چهارچوب خانواده مشترک هندو مورد توجه قرار گیرد؛ خانواده مشترک نهادی است باستانی که هنوز در هند پابرجاست و در جوامع هندو در خارج هند نیز تداوم یافته است. نمونه سنتی خانواده مشترک هندو، که بر پایه خویشاوندی نسبی، از طریق خط ذکور (برای بیشتر هندوان) استوار است، متضمن اشتراک همه اعضای ذکور - چهار نسل زنده و سه نسل از نیاکان، که به واسطه پیوندهای خونی و آیین‌های قربانی به زندگان مرتبطاند - در مالکیت اموال خانوادگی اجدادی می‌باشد. در این الگو، زنان حق استفاده از خوراک و پوشاک و وجوه خانوادگی را دارند .

اینکه خانواده مشترک یا گسترده باهم زندگی می‌کنند، بازتاب این مالکیت مشترک دارایی‌ها و نیز یک روش اقتصادی استفاده از منابع است. اما درعین حال

1 <https://www.porseman.com/>

می‌تواند موجب مسائل بسیاری باشد: امکان دارد اعضای قوی‌تر، افراد ضعیف‌تر خانواده را استثمار کنند؛ به‌علاوه نظارت مستمر و شرایط زیستی مزدحم ممکن است مانع برقراری شیوه زندگی موردعلاقه برای فرد فرد اعضای خانواده گردد. اگر این نظام درست عمل کند، مساعدت و امنیت مدام‌العمر برای همه‌ی افراد خانواده فراهم می‌آورد؛ اما خانواده‌های بسیاری نیز وجود دارد که در آنها روابط مختل شده، و اعضای خانواده علیه هم اقامه دعوا می‌کنند. خانواده مشترک را یک مدیر اداره می‌کند، که یک عضو ذکور ارشد است و توانایی آن را دارد که خانواده را به‌عنوان یک موجودیت قانونی، در جهان خارج مطرح نماید.

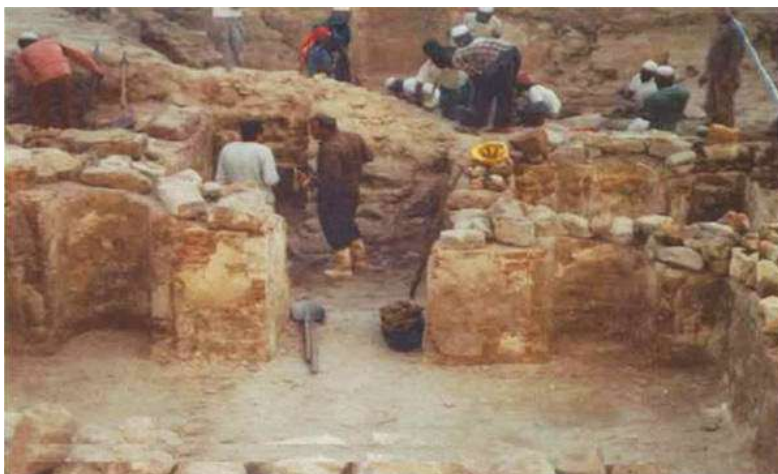
مراتب ساختاری روابط افراد در خانواده هندو

روابط افراد در خانواده ساختاری مراتبی دارد، که قبل از هر چیز بر معیارهای سن و جنسیت استوار است. زبان هندی ابزارهای ظریفی برای بیان این روابط دارد. مثلاً با توجه به اینکه متکلم نسبت به مخاطب خود، بالادست باشد، زبردست باشد، نزدیک باشد یا خیلی نزدیک باشد، می‌توان کلمه‌ی "شما" را به اشکال گوناگونی بیان کرد. بنابراین، روابط خانوادگی با جزئیات ظریف آن تعریف می‌شود. به‌عنوان مثال، برای انواع خویشاوندان، کلمات مختلف بسیاری وجود دارد. دوستان خانوادگی، و حتی بیگانگان را می‌توان در این نظام ادغام نمود، و بدان ترتیب بلافاصله جایگاه هر کس را مشخص ساخت: اگر مرد جوانی زن جوانی را به‌عنوان "خواهر" خطاب کند، منظور آن است که او متعهد است که از زنا با محارم اجتناب ورزد! دغدغه جداسازی زن و مرد در همه‌جا محسوس است. در بسیاری از خانواده‌ها، زنان برای آنکه نسبت به ذکور خانواده، و نیز بیگانه، متواضع باشند، تحت فشار زیادی قرار دارند. ترس از وقوع زنا با محارم را می‌توان در متون باستانی راجع به دارما مشاهده نمود. بنابراین، منواسمریتی پس از اعلام خطر، که زنان کمر به اغوای مردان بسته‌اند، توصیه می‌کند که "مردان نباید با مادر، خواهر و یا دختر خود تنها در یک محل بنشینند؛ زیرا احساسات قوی‌اند و حتی بر مردان عالم نیز سلطه می‌یابند"^۱.

1 <https://www.porseman.com/>

مقدمه | ۱۵

تنها خانه‌ی مسلمان در صدر اسلام. تاریخ حوزه به قدمت تاریخ اسلام است. اولین حوزه در منزل حضرت خدیجه کبرا^(س) بود که دو شاگرد داشت؛ امیرالمؤمنین حضرت علی^(ع) و نیز همسر گرامی پیامبر اکرم^(ص) و یک استاد که آن هم کسی جز پیامبر اکرم^(ص) نبود.



بقایای خانه مقدس رسول گرامی اسلام و حضرت خدیجه^(س)^۱

امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید: «وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا؛ در آن ایام در خانه‌ای اسلام راه نیافته بود و مسلمانی وجود نداشت جز رسول خدا^(ص) و خدیجه و من که سومی آنها بودم^۲». رسول گرامی اسلام^(ص)، همواره از حضرت خدیجه^(س) به نیکی یاد می‌کردند و بر او درود می‌فرستادند و می‌فرمودند: «خدیجه هنگامی به من پیوست که همه مردم از من دوری می‌گزیدند؛ مرا در راه اسلام تنها نگذاشت و حمایت کرد؛ خدایش بیامرزد که زن پربرکتی بود و از او صاحب شش فرزند شدم^۳».

۱. به نقل از: www.jahannews.com

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲: ۳۰۰-۳۰۱.

۳. بحار الانوار، ج ۱۶: ۱۲.

فصل اول

معرفت‌شناسی خانواده

تعریف خانواده

خانواده به‌عنوان یک سیستم اجتماعی، شامل گروهی از افراد است که از طریق ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کنند. رابطه‌ی اعضای خانواده، رابطه‌ای عمیق و چند لایه است. عمدتاً در این نظام، افراد توسط علایق و دل‌بستگی‌های عاطفی نیرومند، دیرپا و متقابل با یکدیگر پیوند دارند.^۱

اهمیت خانواده

خانواده خمیرمایه و سنگ‌بنای جامعه بزرگ انسانی است. حکمت الاهی بنا بر فطرت و آفرینش انسان‌ها طوری نظام‌مند آفریده شده که برای رشد و شکوفایی و رسیدن به آرامش و امنیت روانی نیاز به تشکیل خانواده منوط گشته است. در رابطه با زندگی امیرالمؤمنین علی^(ع) و برترین بانوی عالم حضرت فاطمه^(س) که برترین اسوه و الگوی مردمان در همه‌ی اعصار می‌باشند، خانواده اهمیت و جایگاه ممتازی را به خود اختصاص داده است. از این‌رو در این بخش به شمارش و تبیین عوامل تحکیم خانواده می‌پردازیم.

جایگاه خانواده

خانواده هسته‌ی نخستین تشکیل ساختمان جامعه به‌شمار می‌رود و عواملی چون عشق و محبت و عاطفه را در وجود انسان‌ها ریشه‌دار می‌نماید. با رعایت موازین ارزشی اسلامی زندگی خانوادگی شکوفا می‌گردد و آیین اسلام، حقوقی برای اعضای

۱. فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده‌درمانی: ۱۳.

آن به وجود می‌آورد که با مراعات و اجرای آن، صفا و صمیمیت چون چشمه‌ای جوشان در خانواده جاری می‌گردد. در حضور مناسبات اخلاقی و روابط بین اعضای خانواده حضرت امام رضا^(ع) یک اصل کلی، جالب و دارای پیامی روان‌شناختی را مطرح می‌فرمایند: «اجعل معاشرتک مع الصغیر و الکبیر^۱»؛ یعنی برخورد خود را با افراد کوچک و بزرگ زیبا و نیکو گردان؛ که این اصل در حسن معاشرت و بهبودی آن تأثیری فراوان دارد. این سخن می‌تواند برگرفته از فرمایش رسول اکرم^(ص) باشد که می‌فرمایند: «خیرکم لاهله و انا خیرکم لاهلی؛ بهترین شما کسی است که برای اهل خانه‌اش نیکو باشد و من نیکوترین شما برای خانواده‌ام هستم^۲». مرد خانه حق ندارد به هر دلیلی ارتباط با همسر خویش را بیش از چهارماه ترک نماید؛ مگر اینکه زن به ترک آن راضی باشد یا اینکه برای مرد مسافرت واجبی و لازمی چون حج و کسب معاش پیش آید، اینکه چنین آمیزشی حاوی خسروانی غیرقابل جبران باشد. گروهی به محضر حضرت امام رضا^(ع) آمدند و عرض کردند: ای پسر رسول خدا^(ص) مردی زنی جوان دارد و چون مصیبتی متوجه‌اش گردیده، مدت چند ماه و بلکه یک سال است که ارتباط با همسر خویش را ترک کرده است؛ البته این کار به دلیل اذیت، آزار و انتقام نبوده بلکه به علت اندوه و افسردگی خاطر از این معاشرت اجتناب کرده است. آیا با این عمل عصیان و ترک گناهی مرتکب شده است؟ امام فرمودند: بلی، ترک این ارتباط بیش از چهار ماه گناه دارد^۳.

آموزش و افزایش اطلاعات در خانواده

امیرالمؤمنین علی^(ع) در قالب وصایای خود و در فرآیند آموزش فرزند جوان خویش به امام حسن مجتبا^(ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه که مشتمل بر سفارش‌های ناب و ظریف و نکات اخلاقی- تربیتی است، به تبیین و تصویر درست رابطه بین پدر که یکی از ارکان مهم تشکیل‌دهنده خانواده است، با فرزندان که میوه دل و گل خوشبو

۱. صحیفه الرضا: ۴۰۰.

۲. جامع السعادات، ج ۲: ۱۳۹.

۳. علامه فضل الله، شیوه همسر‌داری، ترجمه لطیف راشدی: ۱۱۱.

خانواده هستند، می‌پردازد. بنابراین به موارد کلیدی که از سوی والدین باید به فرزندان منتقل شود، اجمالاً اشاره می‌کنیم.

امام می‌فرماید: «وَأَنْ أُبْتَدِئَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتَأْوِيلِهِ وَشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ...؛ ابتدا خواستم (تربیت) تو را به تعلیم کتاب خداوند و بیان آن و مقررات و احکام اسلام و حلال و حرام آن آغاز کنم...^۱». از این رو هر معلم و مربی و یا هر پدر مهربانی که واقعاً دلسوز فرزند خود باشد، در قدم نخست و قبل از آلوده شدن دل و درون، باید حقایق دین را به فرزند خود بیاموزد و گرنه اگر تعلل نموده و این مهم را به تأخیر بیندازد، دل جوان به عقاید انحرافی آلوده می‌شود و اصلاح کردن وی، زحمتی دوچندان می‌طلبد.^۲

الف) کلیدهای اساسی آموزش در نامه ۳۱

اگر محورهای عمده سفارش‌های امام علی^(ع) را در مورد آموزش فرزند جوان خویش (امام مجتب^(ع)) مورد مذاقه قرار دهیم، به این نکات کلی زیر می‌رسیم:

۱) موانع و آفت دوستی «لَا خَيْرَ فِي مُعِينٍ مَّهِينٍ وَ لَا فِي صَدِيقٍ ظَنِينٍ»؛ (۲) علت تأخیر اجابت دعاها «لِيَكُونَ ذَلِكَ أَكْبَرَ الْأَجْرِ السَّائِلِ»؛ (۳) تسویف، آفت موفقیت و مغتنم شمردن فرصت‌ها «بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ عُصَهُ»؛ (۴) احترام به اقوام و خویشان «وَ أَكْرِمِ عَشِيرَتَكَ»؛ (۵) عدم اعتماد به آرزوها «وَ الْإِتِّكَالَ عَلَى الْمُنَى فَإِنَّهَا بَصَائِعُ النَّوْكَى»؛ (۶) باز بودن باب توبه «وَ فَتْحِ لِكَ بَابِ الْمَتَابِ»؛ (۷) راه‌های مقابله با مشکلات «فَاحْتَمَلُوا وَعَثَاءَ الطَّرِيقِ وَ فِرَاقَ الصَّدِيقِ»؛ (۸) راه تقویت دل «احی قلبک بالموعظه و...»؛ (۹) شرایط تحصیل علم «وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»؛ (۱۰) مسئولیت به قدر توان «فَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَى ظَهْرِكَ فَوْقَ طَاقَتِكَ».

ب) افراط و تفریط در آموزش فرزندان

امروزه اکثر خانواده‌ها در مسئله آموزش و تربیت فرزندان کودک و جوان خویش، با سردرگمی و افراط و تفریط مواجه هستند. خانواده‌ها فکر می‌کنند هرچه امکانات و

۱. نامه ۳۱.

۲. مصباح یزدی، *پند جاوید*، ج ۱: ۱۵۷ و ۱۵۸.

وسایل رفاه فرزندانشان را برآورده سازند، فرزندانی شایسته و نیکو خواهند داشت، اما این خیال آنها مدّت زیادی دوام نمی‌آورد و با چشم خویش نظاره‌گر طغیان و انحراف آنها هستند. بنابراین با تأسی به سفارش‌های نورانی و حکیمانه‌ی امام متقیان علی^(ع)، زمینه را برای شکوفایی گل‌های زندگی‌مان فراهم سازیم.

فصل دوم

وجودشناسی خانواده

ضرورت تشکیل خانواده

آنچه مسلم است خانواده اسلامی را باید در یک جامعه اسلامی و افراد و اجزای این جامعه و منهای فراموشی آخرت مورد بررسی قرار داد. در این راستا گروه مجلات همشهری با رویکرد به نهج البلاغه به توصیف خانواده اسلامی از دیدگاه حضرت علی^(ع) پرداخته است.

از نگاه حضرت زندگی و تشکیل خانواده همه‌اش سختی و دردسر است و دردسر بالاتر اینکه گریزی هم از این سختی نیست (حکمت ۲۳۸)، البته رسیدن به پاره‌ای از کمالات و خواسته‌ها ممکن نیست؛ مگر با ازدواج و تشکیل خانواده. و اینکه این سختی‌ها خود شیرین و دوست‌داشتنی هستند. (حکمت ۶۱).

اما آنچه مهم است در تشکیل خانواده بدانیم اینکه با دیدی باز و با نگاهی عقلانی، نه چون عاشقی که با چشمی بیمار و گوش‌های ناشنوا از پی خواسته دل می‌رود و نهایتاً هم به پشیمانی می‌رسد دست به انتخاب بزنیم. (خطبه ۱۰۹) البته این کلام حضرت هرگز به این معنا نیست که معیار در انتخاب، منهای علاقه و دوست داشتن باشد؛ بلکه آنچه مورد نهی حضرت است انتخاب کورکورانه است. و در گام دوم درک این مطلب که روحیات زنان و مردان روحیاتی متفاوت است. حضرت هم در چندین جای نهج البلاغه بر آن موضوع تأکید دارند و شناخت این تفاوت‌ها را در ساختار سازی بهتر خانواده پررنگ می‌دانند. (خطبه ۸۰؛ حکمت ۲۳۴) در روان‌شناسی و روان‌شناختی امروزی هم بسیار بر این مطلب تأکید شده و توصیه مکرر بر این شده که برای زندگی بهتر باید با دنیای متفاوت زنان و مردان آشنا بود؛ حتی با نگاهی

اغراق‌آمیزتر آنان را از دو سیاره متفاوت می‌دانند. از نگاه حضرت زندگی و تشکیل خانواده همه‌اش سختی و دردسر است و دردسر بالاتر اینکه گریزی هم از این سختی نیست (حکمت ۲۳۸)، البته رسیدن به پاره‌ای از کمالات و خواسته‌ها ممکن نیست؛ مگر با ازدواج و تشکیل خانواده.

خانواده از بهترین و مقدس‌ترین بنیادهای بشری است و قرآن در آیات بسیاری به این مهم توجه داشته و حتی خداوند خود وعده گشایش و فراخی رزق به زوج‌های جوان داده و ترس از فقر را دلیلی برای عدم تشکیل خانواده نمی‌داند (سوره مبارکه نور آیه ۳۲) و بالاتر از آن در کنار اقرار به توحید احترام بی‌چون و چرا به پدر و مادر را خواسته و احترام به همسر و خانواده را از شرایط ایمان دانسته است (سوره مبارکه نساء آیه ۳۶).

عوامل پایداری خانواده

بعد از اینکه خانواده تشکیل شد برای ادامه آن لازم است اقداماتی انجام شود که اگر اینها به وجود نیایند نمی‌توان از ادامه خانواده تازه تشکیل‌شده اطمینان حاصل کرد. از این جهت در اینجا به ذکر عوامل استمراربخش حیات خانواده اشاره می‌کنیم.

(۱) ازدواج

مسلم است که اولین عامل تشکیل‌دهنده خانواده ازدواج است که اگر با شرایط مناسب عملی شود امید استمرار آن را می‌توان داشت. ازدواج پدیده‌ای خاص و منحصر به انسان نیست، لیکن در او زمینه‌ساز انسانیت و پیش‌درآمدی برای رسیدن به مقاصد عالی است. تاکنون کسی نتوانسته است در روابط زن و مرد چیزی بهتر از ازدواج ابداع کند؛ ازدواجی که میان انگیزه جنسی و عشق و سعادت فرزندان حاصل از آن پیوند برقرار می‌کند. ادامه زندگی بدون عشق محال نیست، اما دشوار است. پیامبر (ص) فرموده است: «هیچ چیز در نزد خدا محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که در اسلام با ازدواج آباد شود» (مشکینی، علی، ۱۳۷۰). ازدواج در اسلام. ترجمه احمد جنتی. قم: دفتر نشر الهادی، ۱۱). قرآن کریم در باب قانون ازدواج می‌فرماید: «یکی از نشانه‌های خدا این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به

فصل دوم: وجودشناسی خانواده | ۲۳

واسطه آنها آرامش بیابید و میان شما بذر رأفت و محبت افشانند تا مایه بقای زندگی نوع باشد. نشانه‌های خدایی در این امر بر اندیشمندان آشکار است» (الزوم/۲۱). یکی از این نشانه‌های الهی آن است که هر فردی از بشر در برابر خود از نوع خود جفتی می‌یابد تا مسئله توالد و تناسل صورت گیرد و آنها به گونه‌ای آفریده شده‌اند که محتاج یکدیگرند و هر یک با دیگری به کمال خود می‌رسد و این همان میل جنسی است که خداوند آن را در وجود دو نفر به امانت نهاده است» (طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۳). *المیزان*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین. ج ۲: ۴۱۸). از این آیات و روایات استفاده می‌شود که اساس ازدواج یا نکاح که به معنی عمل هم‌خوابگی است، بر همین حقیقت طبیعی است، نه شهوت‌رانی و لذت‌گیری.

همه احکام مربوط به حجاب، چگونگی انجام عمل هم‌خوابگی و اینکه هر زنی مختص شوهر خویش است و نیز احکام طلاق، عده، اولاد، ارث و نظایر اینها که اسلام در این باره مقرر کرده، پیرامون این حقیقت دور می‌زند و می‌خواهد عمل هم‌خوابگی به صورت بازی انجام نشود: «...اما در قوانین مربوط به روابط جنسی زن و مرد که در تمدن غربی حاضر در جریان است، اساس هم‌خوابی زن و مرد یک نوع اشتراک در عیش است و کاری به زندگی مشترک در درون خانواده ندارد. به همین دلیل، متعرض هیچ‌یک از احکامی که اسلام درباره بستر زناشویی و فروع آن وضع کرده نیستند و در آن قوانین، سخنی از عفت، حجاب و اختصاص و امثال آن دیده نمی‌شود» (غلامی، یوسف. (۱۳۸۴). *اخلاق و رفتارهای جنسی*. قم: دفتر نشر معارف: ۱۶۳-۱۲۷ رحیمی یگانه، زهرا. (بی‌تا). *خانواده موفق*. اصفهان: انتشارات حدیث راه عشق: ۱۰۲-۹۹).

اسلام همه مسلمانان را تشویق می‌کند که به تشکیل خانواده دست یازند. از سوی دیگر، درباره یکی از موانع ازدواج، یعنی فقر مادی و اقتصادی می‌فرماید که فقر نباید مانع ازدواج گردد. خداوند به زن و مرد فقیر مژده می‌دهد که اگر پیش‌قدم شوند، آنان را از فضل خویش بی‌نیاز می‌سازد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى

مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ * وَلَيْسَتَغْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عِلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَثْوَهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِعَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ: مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را. اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد که خداوند گشایش دهنده و آگاه است. * نیز کسانی که امکان ازدواج ندارند، باید پاک دامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند! همچنین آن بردگانتان که خواستار مکاتبه [= قرار داد مخصوص برای آزاد شدن] هستند، با آنان قرارداد ببندید. اگر رشد و صلاح در آنان احساس می کنید (که بعد از آزادی، توانایی زندگی مستقل را دارند)، و چیزی از مال خدا را که به شما داده است، به آنان بدهید و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خودفروشی نکنید، در صورتی که خود می خواهند پاک بمانند، و هر کس آنها را (بر این کار) اجبار کند، (سپس پشیمان گردد)، خداوند بعد از این اجبار آنها غفور و رحیم است ﴿ (التور / ۳۳-۳۲).

۲) اخلاق

«خُلُق عبارت از شکل درونی انسان است، چنان که خَلْق شکل ظاهری اشیاء است. غرایز، ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان است، اخلاق نامیده می شود و به اعمالی که از این خلیقات ناشی گردد، نیز اخلاق می گویند» (مهدوی کنی، ۱۳۷۱: ۱۳). غزالی نیز اخلاق را عبارت از «اصلاح و پیراستن قوای نفس» می داند. وی معتقد است اخلاق، هیأتی رسوخ یافته در نفس است که باعث می شود انسان با سهولت، آسانی و بدون تأمل و اندیشه رفتار نماید. این حالت، زمینه صدور افعال پسندیده و نیکو و دوری از افعال زشت و ناپسند است» (ر.ک؛ غزالی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۶-۱).

فصل دوم: وجودشناسی خانواده | ۲۵

با رجوع به تعریف‌های اخلاق، مشخص می‌شود که رابطه اخلاق و خانواده، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و الزامی است؛ زیرا انسان جز در محیط امن و سازنده خانواده، هرگز قادر به کسب آگاهی، کمال و رفع نواقص از نفس و رفتار خود نمی‌باشد؛ بنابراین، انسان که جویای کمال و گریزان از ضعف و نقص است، طالب حضور در خانواده و تحکیم روابط اعضای آن می‌باشد. به‌طور کلی، استواری و محکم بودن خانواده‌ها، حاصل پایبندی‌های اخلاقی اعضای آن و پرهیز از کج‌خلقی است.

خانواده نهاد اساسی و محوری در جامعه است و به عنوان هسته نخستین سایر نهادهای اجتماعی به شمار می‌آید. خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که اساس و زیرساخت واحدهای بزرگ‌تر به شمار می‌رود. میزان موفقیت و سهمی که افراد برای ایفای نقش در واحدهای بزرگ اجتماعی ایفا می‌کنند بستگی تام به نحوه رشد و تربیت و شکوفایی استعدادهای آنها در کانون مقدس خانواده دارد. همچنین با نگاهی به وضعیت نابسامان اجتماع درمی‌یابیم که بیشتر دردها و مشکلات و فسق و فجورها از خانواده سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین خانواده می‌تواند منشأ بدبختی و سعادت افراد باشد. آنچه موجب تحکیم کانون خانواده می‌گردد و سعادت و خوشبختی اعضای خانواده را به همراه خواهد داشت، وجود اخلاق نیک و توجه به وظایفی است که هر کدام از اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند و از نظر اخلاقی، موظف به رعایت آنها می‌باشند؛ و آنچه موجب تزلزل و نابودی و بدبختی خانواده می‌گردد، وجود آسیب‌های اخلاقی و بی‌توجهی افراد خانواده نسبت به وظایف خود در کانون خانواده می‌باشد؛ بنابراین هرکسی در خانواده، جهت حفظ و تحکیم کانون خانواده خویش، نیازمند به این است که با نکات اخلاقی در خانواده و وظایفی که در کانون خانواده نسبت به یکدیگر دارند و با آسیب‌های اخلاقی‌ای که موجب تزلزل و نابودی خانواده می‌گردد، آشنا گردند. رفتار و گفتار امیرالمؤمنین^(ع) بهترین و زیباترین الگو برای آشنایی افراد با اخلاق و وظایف اخلاقی و آسیب‌های اخلاقی در خانواده می‌باشد؛ اما از آنجا که به گفتار و رفتار ایشان در این زمینه کمتر توجه شده و بیشتر به گفتار و رفتار ایشان در ابعاد سیاسی و حکومتی توجه شده است، لذا بر

خود لازم دانستیم با توجه به اهمیتی که کانون خانواده در سعادت و شقاوت افراد دارد، اخلاق خانوادگی را از نگاه امام علی^(ع) مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به این مطلب در این تحقیق به دنبال این مسئله‌ایم که از نگاه امام علی^(ع) اخلاق در خانواده چگونه باید باشد؟ و اینکه از نگاه امام علی^(ع) چه آسیب‌های اخلاقی در خانواده موجب فروپاشی کانون خانواده می‌گردد؟ از نگاه امام علی^(ع) جهت تحکیم کانون خانواده، زن و شوهر هر کدام در خانواده از نظر اخلاقی وظایفی دارند که برخی از آن وظایف میان آن دو مشترک است مثل، اظهار محبت به یکدیگر، حسن خلق، تکریم و احترام‌گذاری نسبت به هم و ... برخی از آن وظایف مربوط به مرد است مثل، تأمین نیازهای دینی خانواده، تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و ... برخی نیز مربوط به زن است مثل، اطاعت از شوهر، امانت‌داری، نیکو خانه‌داری. همچنین از منظر امیرالمؤمنین^(ع) فرزندان و والدین نیز از نظر اخلاقی وظایفی نسبت به هم دارند. از جمله وظایف والدین در برابر فرزندان از نگاه امام علی^(ع) مانند، توجه به آدابی که هنگام تولد فرزند باید رعایت کرد، محبت به فرزند، عدالت و مساوات نسبت به فرزندان و ... اما وظایف فرزندان در برابر پدر و مادر مثل، اطاعت از والدین، احسان به والدین، پرهیز از اذیت آنان می‌باشد. امیرالمؤمنین^(ع) وجود برخی از آسیب‌های اخلاقی در خانواده را موجب فروپاشی و تزلزل کانون خانواده می‌دانند که برخی از آن عوامل را میان زوجین مشترک می‌دانند مثل، آزردن زوجین همدیگر را، بداخلاقی، زیادی توقعات، قانع نبودن و ... برخی از آن را مربوط به مرد می‌دانند مثل، سوء تدبیر، بیکاری، بخل و ... برخی نیز مربوط به زن است مثل، منت‌گذاری، ناسازگاری، خیانت کردن و ... بنابراین آنچه در این تحقیق بعد از بحث از کلیات در مورد مسئله خانواده، از نگاه امام علی^(ع) مورد بررسی قرار گرفته است در سه بخش خلاصه می‌شود. بخش اول به وظایف اخلاقی زن و شوهر در خانواده پرداخته. و بخش دوم به وظایف اخلاقی متقابل والدین و فرزندان در خانواده پرداخته و در بخش سوم به آسیب‌شناسی اخلاق خانوادگی پرداخته شده است. در تمامی این بخش‌ها سعی کردیم با توجه به منابع روایی و تاریخی، به گفتار و رفتار امام علی^(ع) در زمینه

خانواده و اخلاق خانوادگی و آسیب‌های مربوط به خانواده پیردازیم. در برخی موارد روایات جمع‌آوری‌شده، مستقیم به مسئله اخلاق خانوادگی مربوط است و در برخی موارد روایات صادرشده از حضرت^(ع) کلی است که به‌طور غیرمستقیم می‌تواند به اخلاق خانوادگی نیز مرتبط باشد^۱

۳) تربیت صحیح فرزندان

حضرت کمی فرزند را موجب رفاه و آسایش می‌داند. (حکمت ۱۴۱) بیان این مطلب در این مقال هرگز تأیید یا رد این سخن نیست که فرزند کمتر زندگی بهتر و اینکه آیا این ایده‌ای یهودی هست یا نه، اصلاً نوشته از این موضوع غریبه و بیگانه است؛ ولی صرف‌نظر از شرایط جامعه و خالی از هر نگاه بیرونی کمتر بودن فرزندان بالطبع مسؤولیت کمتر و نگرانی‌های کمتری داشته و خودبه‌خود موجب راحتی و رفاه بیشتری برای پدر و مادر می‌شود.

اما این کلام هرگز بی‌توجهی به فرزندان را تأیید نمی‌کند. امام^(ع) پدر و مادر را در مقابل فرزندان بی‌مسئولیت ندانسته و خود حضرت می‌فرماید همان‌گونه که فرزندان در قبال پدر و مادر مسؤولیت‌هایی دارند، پدر و مادر نیز در قبال آنان وظایفی دارند و مهم‌ترین وظیفه آنها شتاب و تلاش در تربیت فرزندان است. حضرت در سخنی به فرزند بزرگوارشان امام حسن^(ع) می‌فرماید: «وظیفه دارم تا تو را با اخلاق و آداب اسلامی آشنا سازم و به بهترین شکل تربیت کنم».

۴) ابراز محبت و ایجاد مودت

اصل محبت را خداوند در قلب زن و شوهر قرار می‌دهد و بر آنان است که این نعمت باطنی و حالت قلبی را که موجب آرامش زندگی و صفا و پاکی است به وسیله جانب‌داری از هم، گذشت و فداکاری، خوش‌اخلاقی، توقع در اندازه و ظرفیت لازم، حفظ شئون و شخصیت طرفین و اجتناب از بگومگوهای بیهوده حفظ کنند و از عواملی که به محبت و عاطفه خلل وارد می‌نماید بپرهیزند؛ زیرا تبدیل این عاطفه و

۱. بحرینی، پایان‌نامه اخلاق خانوادگی از نگاه امام علی^(ع)، ۱۳۹۰، دانشگاه علوم قرآن و حدیث، به نقل از:

شوق به کینه و نفرت و بغض در صورتی که ملاک شرعی و عقلی در کار نباشد مبدل نمودن نعمت به نعمت و بلاست و خود نوعی ناسپاسی به شمار می‌آید البته به فرمایش حضرت امام رضا^(ع) دل‌ها را رغبت و نفرت و نشاط و سستی می‌باشد، هنگامی که دل میل و اقبال می‌کند بینش و ادراک دارد و زمانی که بی‌میل است افسرده و ناتوان می‌باشد از این‌روی هنگامی که درون با نشاط توأم می‌باشد باید دل‌ها را به کار گرفت و زمانی که حالت سستی و رخوت دارد باید آن را رها کرد تا توان و آرامش خود را بازیابد.

زن و شوهر در روابط عاطفی با یکدیگر باید این بیان گهربار امام رضا^(ع) را در نظر گیرند که می‌فرمایند: اگر مؤمنی خشمگین شود عصبانیت، وی را از طریق حق بیرون نمی‌برد و اگر شادمانی یابد این خرسندی وی را دچار باطل نمی‌سازد و چون به اقتداری می‌رسد بیشتر از آنچه حق دارد، نمی‌گیرد. حضرت امام رضا^(ع) در سیره‌ی عملی خویش در جهت تقویت عواطف و تکریم شخصیت حاضران در خانه و در جمع معاشرین این‌گونه بودند. ابراهیم بن عباس می‌گوید: هرگز شخصیتی برتر از امام رضا^(ع) ندیدم، هرگز پای خویش را در مقابل همنشین خویش دراز نمی‌نمود و پیش از او تکیه نمی‌داد. به خدمتگزاران دشنام نمی‌گفت، صدایش به خنده بلند نمی‌شد و همواره با غلامان و زیردستان خود کنار سفره‌ی غذا می‌نشست. حضرت امام رضا^(ع) اعتقاد داشتند: اگر نسبت به کسی محبتی دارید آن را آشکار کنید زیرا اظهار دوستی نیمی از خردمندی به شمار می‌آید بنابراین زن و شوهر باید عواطف خود را در خصوص یکدیگر علنی سازند و در این مورد از خجالت و شرمساری پرهیز کنند. یکی از اموری که بر رونق و صفای خانه می‌افزاید تلاوت قرآن می‌باشد. حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) فرموده‌اند: در خانه‌هایتان برنامه‌ای برای تلاوت قرآن کریم ترتیب دهید به درستی هرگاه در منزلی قرآن خوانده شود امور اهلش سهل و آسان می‌گردد و خیر و برکتش بسیار شده و در غیر این صورت اهل خانه در تنگنای فکری و روانی و اقتصادی قرار می‌گیرند.

بر این اساس عوامل معنوی و روی آوردن به سنت‌های مذهبی می‌تواند روابط عاطفی و فضای روان‌شناختی خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. در مواقعی حتی ابراز عواطف هم برقرار است ولی گویا احساس آرامش از خانه رخت بر بسته است و این بدان دلیل می‌باشد که اهل خانه از ذکر خداوند اعراض نموده‌اند چرا که قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا». از تأکید اسلام بر آرامش و مودت و رحمت که خصلت و خوبی است که در زندگی خانواده کسی جاری است چنین برمی‌آید که در مفهوم ارزشی این آیین نوع و شکل فضایی که زوجین می‌خواهند در پرتو آن زندگی نوین خود را آغاز کنند، نمایان می‌گردد و چنین نیست که شخص بخواهد از طریق آن صرفاً منفعت‌طلبی شخصی و طمع ورزی نسبت به دیگران را پی گیرد و نیز این‌گونه نمی‌باشد که هوی و هوس و امیال نفسانی در آن برانگیخته شود تا بتوان از آنها به عنوان شالوده ساختمان این زندگی استفاده نمود بلکه فضایی است که در آن بر انسانیت و فضیلت تأکید می‌گردد، روابط از سرچشمه‌ای عالی و پاکیزه متأثرند که در آن هر دو طرف در زندگی مشترک به عاطفه و محبت وابسته‌اند. عطوفتی که یک احساس ناگهانی و زودگذر نبوده و بر ارزش‌های والا و خرده‌های مقدس استوار است؛ زیرا عواطف ناگهانی و هیجانی در برابر امیال و هواهای متضاد تاب مقاومت ندارد و به سرعت رنگ می‌بازد.

مسئولیت‌پذیری و عواطف

از دیدگاه فرهنگ اسلامی چنین استنباط می‌گردد که گرایش برای تشکیل خانواده از احساس ژرف متأثر گردیده است. نیازمندی روح و روان و احتیاج عاطفی در یک چهارچوب معنوی رشددهنده آدمی را وادار می‌کند تا در فرصتی مناسب به این مسئله جامه‌ی عمل بپوشاند. هدف از تشکیل خانواده در اسلام همان دستیابی به اطمینان روحی است تا انسان پس از رسیدن به این مرحله احساس نماید به خویشتن اصل خویش نائل گردیده است و به اعتبار اینکه رحمت و مودت شالوده و پایه‌ی روابط در نظام آفرینش می‌باشد شخصیت انسان در این برنامه تکامل می‌یابد. اسلام از مرد می‌خواهد سرآغاز بنیان نهادن خانواده را با مسئولیت‌پذیری معنوی و

عملی توأم نماید و نه صرفاً برای اشباع سیری ناپذیری غرایز انسانی. رحمت ملهم از سرشت ارتباطات همسران است و زوجین را وادار می‌کند با توجه به ظرفیت خانوادگی، روحی و اجتماعی یکدیگر را درک کنند و مسؤولیت‌های خود را پذیرا باشند. پس با یکدیگر به صورت صمیمی زندگی کنند و در این فضا از تنگ‌نظری و خودخواهی، که زندگی خانوادگی را متلاشی می‌سازد، دوری خواهند جست؛ زیرا آنگاه که محبت و عاطفه وارد زندگی می‌گردد فرد محوری و خودنگری را دگرگون می‌کند. انسانی که از لاک خود بیرون آمده است به رغم تأثیرپذیری در شکل‌گیری و ساختار شخصیت از محیط‌های گوناگون و شرایط متفاوت، بر سخنی که بر زبان می‌آورد، گامی که برمی‌دارد، کاری که انجام می‌دهد مراقبت دارد و در واقع رحمت را صرفاً در اندیشه و احساس پاکیزه مجسم نمی‌نماید بلکه آن را در زندگی عملی تحقق می‌بخشد. پس با این وصف هر کدام از زن و شوهر به دردها و مشکلات و گرفتاری‌های یکدیگر توجه دارند و خطاها و نارسایی‌ها را با مدارا، وفق و حکمت اصلاح می‌کنند تا مبادا به جای سازندگی، ویرانگری حاصل گردد.

اگر این‌گونه عمل گردد زندگی اعضای خانواده به آرامشی راستین مبدل خواهد گشت، آرامشی که زندگی درونی و بیرونی همه‌ی افراد خانواده را در برمی‌گیرد و به صورتی خواهند زیست که روح و عقل و عواطف آنان به دور از نزاع‌ها و جدال‌ها بیجا می‌باشد. این مودت از نعمت‌های الهی است و باید قدردان آن بود و در زندگی مشترک از آن بهره گرفت و برکاتش را بکار باید بست. در غیر این صورت امکان دارد بر اثر ناسپاسی این هدیه‌ی معنوی و عطیه الهی، آن را از دست بدهیم چنانچه حضرت امام رضا^(ع) فرموده‌اند: «أحسنوا جوار التعم فأنها وحشیة مائت عن قوم فعادت الیهم» یعنی نعمت‌های الهی را که در اختیارتان است گرامی بدارید چرا که آنها گریزان می‌باشند. از هر که کناره گیرند دیگر بازگشتی برایشان نمی‌باشد. حضرت امام رضا^(ع) در بیانی دیگر زندگی توأم با آرامش را این‌گونه معرفی کرده‌اند: «العیشُ السَّعةُ فی المنازل و الفضل فی الخدم و کثرةُ المُحبین؛ منزل وسیع، همکاران و خدمتگزاران افزون و دوستداران فراوان (کثرت اهل محبت و مودت)».

گشایش برای اهل خانه

تأمین معاش حلال و فراهم بودن امکانات زندگی برای اهل خانه در ایجاد آرامش و افزایش صمیمیت دخالت مهمی دارد، امام علی بن موسی الرضا^(ع) فرموده‌اند: «مَنْ أَصْبَحَ مُعَافَى فِي بَدَنِهِ مَخْلَى فِي سِرْبِهِ وَ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ فَكَأَنَّمَا خَيْرٌ لَهُ الدُّنْيَا؛ هَر كَسٍ صَبَحَ كُنْدَ دِرْحَالِي كَه تَنْشِ سَالِمٍ وَ خَاطِرُشِ أَسْوَدَهُ وَ مَعَاشِشِ تَأْمِينٌ بَاشِدُ مِنْ أَمْرِهِ يَكُ زَنْدَجِي مَطْلُوبٍ وَ أَرَامٌ بِرِخُورِدَارِ اسْتِ».

تلاش در جهت فراهم آوردن تسهیلات برای خانواده در درجه‌ای از اهمیت است که حضرت امام رضا^(ع) فرموده‌اند: کسی که در پی به دست آوردن درآمدی برای تأمین معاش عائله‌اش باشد بهتر از مجاهدان در راه خداست.

حکمت این تأکید آن است که اهتمام و تکاپو در این خصوص اثری مهم در پیوند عاطفی اعضای خانواده دارد و روابط محبت‌آمیز افراد خانه را تحکیم و قوت می‌بخشد. حضرت امام رضا^(ع) در روایتی دیگر از پیروان خود می‌خواهد برای ایجاد گشایش در زندگی و رفاه اهل خانه بکوشند: «صَاحِبُ التَّعْمَةِ يَجِبُ أَنْ يُوَسِّعَ عَلِي عِيَالِهِ؛ (افرادی که از نعمتی برخوردارند باید بر زن و فرزند خود گشایش دهند)».

اصولاً در فرهنگ اهل‌بیت^(ع) یکی از نشانه‌های سعادت انسان این است که فرد بتواند به وضع خانواده خود رسیدگی کند، در این باره نیز هشتمین ستاره‌ی درخشان آسمان امامت چنین گوهر افشانی کرده‌اند: «يَتَّبَعِي لِلرُّجُلِ أَنْ يُوَسِّعَ عَلِي عِيَالِهِ لئَلَّا يَتَّمَنُو مَوْتَهُ؛ یعنی شایسته است مرد بر اهل خانه (از لحاظ مخارج زندگی) سخت‌گیری نکند تا اینکه آنان مرگ او را از خداوند درخواست کنند». اهمیت تلاش برای امور رفاهی خانواده موجب نمی‌شود که آدمی از اعتدال، قناعت و کسب رزق حلال دوری گزیند.

حضرت امام رضا^(ع) در این باره تأکید نموده‌اند: حقیقت ایمان بنده کامل نمی‌گردد تا اینکه سه خصلت را دارا باشد. بصیرت در دین، اعتدال و میانه‌روی در امور زندگی و خانواده و بردباری در سختی‌ها و مصائب. همچنین آن فروغ امامت فرموده‌اند: «مَنْ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ؛ هر کس به

روزی اندکی که خدا به او می‌دهد راضی باشد پروردگار همان عمل اندک را از وی می‌پذیرد» و در خصوص رضایت داشتن بر رزق حلال می‌فرماید: هر کس به روزی حلال اما کم خشنود باشد رنجش کمتر و خاندانش در آسایش و آرامش زندگی می‌کنند و خداوند عیوب دنیا و کیفیت رفع آنها را به او می‌آموزد و وی را با سلامتی در بهشت مستقر می‌سازد.

آثار تشکیل خانواده

یکی از آثار بسیار مثبت تشکیل خانواده درمان برخی از دردها و رنج‌های بشر است که راهی جز تشکیل خانواده ندارد. از این جهت خانواده نقش سازنده‌ای در رفع بسیاری از دردها و رنج‌ها دارد. به همین دلیل امروزه اصطلاح خانواده درمانی در محال سلامت مطرح شده است.

آغاز نهضت "خانواده‌درمانی" مقارن اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰، یعنی بعد از جنگ جهانی دوم و گردهمایی مجدد اعضای خانواده بعد از جدایی‌هاست. در واقع خانواده‌درمانی به عنوان شاخه جدیدی از علم روان‌شناسی، در نیمه دوم قرن بیستم پدید آمد. جنبش خانواده‌درمانی عمدتاً تحت تأثیر نظریه سیستم‌ها، گسترش درمان روان‌کاوی به حوزه خانواده، پیدایش مراکز راهنمایی کودک و مشاوره زناشویی و گروه‌درمانی شکل گرفت. در این نگرش و رویکرد، هنجارها و ناهنجاری‌های رفتار فرد در بستر خانواده، تجزیه و تحلیل، ادراک و درمان می‌شود.

ریشه فعلی درمان نظام‌های خانوادگی به رویکردهای نظری، عملی و تحقیقات مختلفی برمی‌گردد که در زمینه کمک به کودکان، زن و شوهر و اشخاص دارای مشکلات خانوادگی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای شناخت خانواده‌درمانی فعلی بهتر است نقش و سهم درمانگاه‌های راهنمایی کودکان و مشاوره ازدواج در نظر گرفته شود.

فروید و دیگر روان‌کاوان از لحاظ نظری و ژرف‌نگری نقش مهمی در بررسی خانواده داشته‌اند؛ زیرا بر اهمیت وقایع اوایل کودکی و تأثیر این وقایع بر بزرگسالی، تأکید می‌کردند و کودکان را تحت روان‌درمانی قرار می‌دادند. تحقیقات اولیه در مورد

فصل دوم: وجودشناسی خانواده | ۳۳

کودکان و نوجوانان مبتلا به اسکیزوفرنی که بخشی از نظام‌های خانوادگی بودند؛ نیز مفاهیم و ایده‌هایی را در پی داشت که در خانواده‌درمانی کنونی مورد استفاده قرار می‌گیرند. خانواده‌درمانی به خارج از حوزه علوم اجتماعی نیز وام‌دار است؛ یعنی نظریه نظام‌های کلی در این نظریه تعاملات و فرآیندهای حوزه‌هایی چون مهندسی، زیست‌شناسی، اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و روان‌درمانی به عنوان اجزای یک کلیت بررسی می‌شود.

آشنایی با این رویکردهای کاربردی و نظری متفاوت، شناخت سیر تحول رویکردهای نظری به خانواده‌درمانی را آسان‌تر می‌سازد.

خانواده‌درمانی در کشور ما نسبت به سایر شاخه‌های روان‌شناسی، نگرشی نوپاست و منابع و کتب اندکی در این زمینه به زبان فارسی منتشر شده است که پاسخ‌گوی نیاز روزافزون دانشجویان و محققان و درمان‌گران فعال در این رشته نیست.^۱

موانع استحکام خانواده

به تناسب عواملی که باعث استحکام خانواده می‌شوند در مقابل موانعی هم هستند که می‌توانند مانع استحکام خانواده بشوند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

(۱) مکان عصبی؛ اما علی^(ع) در جایی از نهج‌البلاغه فرمود: «الْحَجَرُ الْعَصْبُ فِي الدَّارِ رَهْنٌ عَلَى خَرَابِهَا؛ سنگ غصبی در سرا (ی هر که باشد) گرو ویرانی آن سرا است» (حکمت ۲۳۲).

فصل سوم

خدا و خانواده

در اندیشه اسلامی و در نهج‌البلاغه هیچ کاری بدون در نظر گرفتن خدا حالت معنوی و ماندگار به خود نمی‌گیرد. تشکیل خانواده هم از این قاعده مستثنا نیست. به تعبیر دیگر خانواده در اسلام باید براساس تقرب به خدا تشکیل شود؛ زیرا در برخی از روایات اسلامی از جمله در نهج‌البلاغه (خطبه ۹۱) بیان شده که مخلوقات همگی عیال خداوند هستند. از این جهت انسان‌ها هم باید با تشکیل خانواده عیال‌داری خداوند را در خود متجلی سازند.

خانواده مصداق تعاون نیک

خداوند در قرآن کریم همه آدمیان به ویژه انسان‌های مومن را به همکاری میان خود در انجام امور خیر دعوت کرده است: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى؛ در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید (مائده / ۱۹۰)». یکی از اساسی‌ترین مصادیق این تعاون تشکیل خانواده است. از این جهت خداوند از انسان‌ها می‌خواهد خانواده تشکیل دهند. به علاوه اگر قرار باشد خداوند به کسی برکت خود را عنایت کند مسلماً آن را به خانواده‌ها ارزانی می‌کند؛ یعنی اگر قرار باشد که خداوند در عنایتش اولویت را مد نظر قرار دهد خانواده را در اولویت قرار می‌دهد.

خانواده در آیات و روایات از جایگاه مقدسی برخوردار است، خداوند خانه را قرارداد تا محلی برای آرامش و عبادت انسان‌ها باشد، در نزد خداوند بنایی محبوب‌تر از تشکیل خانواده نیست، انسان با تشکیل خانواده از منیت خارج می‌شود این خانه همان خانه‌ای است از درون آن انسان‌های عابد به جامعه تحویل داده شود بنده عابد زمانی از خانواده به جامعه تحویل داده می‌شود که معرفت دینی اش را از قرآن کریم

کسب کرده باشد و این معرفت با قرائت قرآن در منزل حاصل می‌شود. قرآن کریم در جایی می‌فرماید: «وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ؛ و آنچه را که از آیات خدا و سخنان حکمت‌آمیز در خانه‌های شما خوانده می‌شود یاد کنید». خداوند در جایی دیگر از قرآن کریم می‌فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا؛ و خدا برای شما خانه‌هایتان را مایه آرامش قرار داد» (نحل / ۸۰). اگر در خانه‌ای برکت وجود داشته باشد آن خانواده به سمت رستگاری و صلاح و آبادانی حرکت می‌کند، اگر در خانه‌ای برکت نباشد آن خانه و خانواده ارزشی ندارد، برکت هر خانه‌ای تلاوت قرآن، انتقال حکمت و دانایی و علوم قرآنی و خواندن نماز است.

ویژگی‌های الهی و دینی منزل مسکونی

منزل مسکونی در نهج‌البلاغه ویژگی‌های زیادی دارد اما مهم‌ترین آنها در حوزه خدانشناسی مطرح می‌شود به این معنا که خداوند هر نوع منزلی را برای مؤمنان شایسته نمی‌داند بلکه این منزل باید مورد رضایت خداوند باشد. در حقیقت جستجو و تحلیل آموزه‌های نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که سه ویژگی اصلی مسکن در نهج‌البلاغه مورد تأکید قرار گرفته است: اول اینکه پول خرید خانه باید حلال بوده و غصبی نباشد، دوم اینکه روابط همسایگی در انتخاب مسکن باید در اولویت قرار بگیرد و نهایتاً این موضوع که شکوه و وسعت خانه مورد تحسین اسلام نیست، مگر اینکه جهت برگزاری آئین‌های شرعی و خدمت به خلق مورد استفاده قرار گیرد. در این مقاله این ویژگی‌ها در دیگر متون اسلامی نیز بررسی شده و مورد تأیید قرار گرفته است. هدف اصلی‌ای اصول ایجاد وحدت اسلامی و تقویت روابط اجتماعی مسلمین است.^۱

فصل چهارم

عوالم و خانواده

اصالت آخرت

انسان مومن باید در خانواده دنیایش را با آخرت مقایسه کند و اصالت را به آخرت بدهد: «وَلَوْ اسْتَنْطَقُوا عَنْهُمْ عَرَصَاتِ تِلْكَ الدِّيَارِ الْخَاوِيَةِ - وَ الرَّبُوعِ الْخَالِيَةِ لَقَالَتْ - ذَهَبُوا فِي الْأَرْضِ ضَلَالًا وَ ذَهَبْتُمْ فِي أَعْقَابِهِمْ جَهَالًا - تَطَّوْنُ فِي هَامِهِمْ وَ تَسْتَنْبِتُونَ فِي أَجْسَادِهِمْ - وَ تَزْتَعُونَ فِيمَا لَفْظُوا وَ تَسْكُنُونَ فِيمَا خَرَّبُوا - وَ إِنَّمَا الْأَيَّامُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ بَوَالِكٍ وَ نَوَائِحٍ عَلَيْكُمْ - أَوْلَيْكُمْ سَلَفٌ غَايَتِكُمْ وَ فُرَاطٌ مَنَاهِلِكُمْ^۱».

خانه و خانواده اسلامی خانه و خانواده‌ای است که بر اساس آخرت شناسی تنظیم شده باشد. از این جهت علی^(ع) در نوشتن قباله خانه توجه به آخرت را اصل می‌داند: «من کتاب له (علیه السلام) لشريح بن الحارث قاضيه: و روى أن شريح بن الحارث قاضى أمير المؤمنين (عليه السلام).

اشترى على عهده دارا بثمانين دينارا فبلغه ذلك فاستدعى شريحا و قال له: بَلَعْنِي أَنْتَ ابْتَعْتَ دَارًا بِثَمَانِينَ دِينَارًا وَ كَتَبْتَ لَهَا كِتَابًا وَ أَشْهَدْتُ فِيهِ شُهُودًا فَقَالَ لَهُ شَرِيحٌ قَدْ كَانَ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ فَنظَرَ إِلَيْهِ نَظَرَ الْمَغْضَبِ ثُمَّ قَالَ لَهُ يَا شَرِيحُ أَمَا إِنَّهُ سَيَأْتِيكَ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي كِتَابِكَ وَ لَا يَسْأَلُكَ عَنْ بَيْتِكَ حَتَّى يُخْرِجَكَ مِنْهَا شَاخِصًا وَ يُسَلِّمَكَ إِلَى قَبْرِكَ خَالِصًا فَانْظُرْ يَا شَرِيحُ لَا تَكُونَ ابْتَعْتَ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ أَوْ نَقَدْتَ الثَّمَنَ مِنْ غَيْرِ حَلَالِكَ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ حَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ.

أَمَا إِنَّكَ لَوْ كُنْتَ أَتَيْتَنِي عِنْدَ شِرَائِكَ مَا اشْتَرَيْتَ لَكَ كِتَابًا عَلَى هَذِهِ النُّسْخَةِ
 فَلَمْ تَزْعَبْ فِي شِرَاءِ هَذِهِ الدَّارِ بِدِرْهَمٍ فَمَا فَوْقَ وَ النُّسْخَةُ هَذِهِ
 هَذَا مَا اشْتَرَى عَبْدٌ ذَلِيلٌ مِنْ مَيِّتٍ قَدْ أُزْعِجَ لِلرَّحِيلِ اشْتَرَى مِنْهُ دَاراً مِنْ دَارِ الْغُرُورِ
 مِنْ جَانِبِ الْفَائِنِينَ وَ خَطَّهَ الْهَالِكِينَ
 وَ تَجْمَعُ هَذِهِ الدَّارَ حُدُودُ أَرْبَعَةِ الْحَدِّ الْأَوَّلِ يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْأَفَاتِ وَ الْحَدِّ الثَّانِي
 يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْمُصِيبَاتِ وَ الْحَدِّ الثَّلَاثِ يَنْتَهِي إِلَى الْهَوَى الْمُرْدِي وَ الْحَدِّ الرَّابِعِ
 يَنْتَهِي إِلَى الشَّيْطَانِ الْمُعْوَى وَ فِيهِ يُشْرَعُ بَابُ هَذِهِ الدَّارِ
 اشْتَرَى هَذَا الْمُعْتَرِّ بِالْأَمَلِ مِنْ هَذَا الْمُزْعَجِ بِالْأَجْلِ هَذِهِ الدَّارَ بِالْحُرُوجِ مِنْ عِزِّ الْقَنَاعَةِ
 وَ الدُّخُولِ فِي ذُلِّ الطَّلَبِ وَ الضَّرَاعَةِ فَمَا أَدْرَكَ هَذَا الْمُشْتَرِي فِيمَا اشْتَرَى مِنْهُ مِنْ
 دَرَكٍ

فَعَلَى مُبْلِلِ أَجْسَامِ الْمُلُوكِ وَ سَالِبِ نُفُوسِ الْجَبَابِرَةِ وَ مَزِيلِ مُلْكِ الْفَرَاعِنَةِ مِثْلِ
 كِسْرَى وَ قَيْصَرَ وَ ثُبَعٍ وَ حَمِيرٍ وَ مَنْ جَمَعَ الْمَالَ عَلَى الْمَالِ فَأَكْثَرَ وَ مَنْ بَنَى وَ شَيْدَ وَ
 زَحْرَفَ وَ نَجْدَ وَ ادَّخَرَ وَ اغْتَفَدَ وَ نَظَرَ بِرِغْمِهِ لِلْوَلَدِ إِشْحَاصَهُمْ جَمِيعاً
 إِلَى مَوْقِفِ الْعَرْضِ وَ الْحِسَابِ وَ مَوْضِعِ الثَّوَابِ وَ الْعِقَابِ إِذَا وَقَعَ الْأَمْرُ بِفَضْلِ الْقَضَاءِ وَ
 حَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطَلُونَ. شَهِدَ عَلَى ذَلِكَ الْعَقْلُ إِذَا حَزَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَى وَ سَلِمَ مِنْ
 غَلَائِقِ الدُّنْيَا؛

از یک نامه ی آن حضرت که برای شریح بن حارث، قاضی خود نوشت روایت است
 که شریح بن حارث قاضی امیرمؤمنان (علیه السلام)، در زمان خلافت آن حضرت
 خانه‌ای به بهای هشتاد دینار خرید. چون این خبر به امام رسید او را نزد خود
 فراخواند و به او فرمود.

به من خبر رسیده که تو خانه ای به بهای هشتاد دینار خریده‌ای، و برای آن
 سندی نوشته و چند تن را هم در آن گواه آورده‌ای! شریح گفت: همین طور است ای
 امیرمؤمنان. حضرت نگاه تند و خشم آلودی به او کرد و فرمود:

فصل چهارم: عوالم و خانواده | ۳۹

ای شریح، آگاه باش که به زودی کسی به سراغت خواهد آمد که به سند نوشته شده‌هاست نمی‌نگرد، و از دلیل و شاهدت نمی‌پرسد، تا آنکه با نگرانی از آن خانه بیرون برد، و تنها و تهیدست به گورت بسپرد.

پس ای شریح، خوب بنگر، مبادا این خانه را از غیر مال خود خریده و یا بهایش را از غیر آنچه حلال بوده پرداخته باشی که در این صورت دست داده‌ای! آگاه باشی، اگر هنگام خرید آنچه خریده ای نزد من می‌آمدی، همانا سندی بدین صورت برایت می‌نوشتم، که دیگر رغبت خرید این خانه را به یک درهم یا بیشتر نمی‌کردی. و آن نسخه این است:

«این خانه‌ای است که بندهای ذلیل و خوار، از بندهای رو به مرگ که برای کوچ کردن از این سرا حرکتش داده‌اند خریده. از او خانه‌ای از این سرای فریب خرید که در محله‌ی اهل فنا و منطقه‌ی به هلاکت روندگان قرار دارد. این خانه دارای چهار حد است: حد اول به آفات و آسیب‌ها، حد دوم به گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها، حد سوم به هوس‌های تباه سازنده، و حد چهارم به شیطان گمراه‌کننده می‌رسد و در این خانه به همین حد باز می‌شود.

این آدم فریفته‌ی آرزو و امل، این خانه را از این شخص نگران از مرگ و اجل، به بهای بیرون شدن از سایه‌ی عزت قناعت، و در آمدن در سایه‌ی ذلت طلب و دنائت خریداری کرد.

چنانچه خریدار در آنچه از او خریده زیان برد، بر نابودکننده‌ی پیکر پادشاهان و گیرنده‌ی جان گردنکشان و زداینده‌ی ملک فرعونان مانند خسرو و قیصر و تبع (تبع لقب پادشاهان یمن، و حمیر نام پدر یکی از قبیله‌های بزرگ یمن است). و حمیر و کسانی که پول و دارایی فراوان بر روی هم انباشتند، و کسانی که کاخ‌های باشکوه ساختند، و خانه‌ها را آراستند، و فرش‌های زیبا گستردند، و ثروت‌ها گرد آوردند و ذخیره نهادند، و به گمان خود به فکر فرزندان خود بودند، آن است که آنها را به بازداشتگاه بازخواست و حساب، و جایگاه ثواب و عقاب کوچ دهد، آنگاه که فرمان خدا به حکم نهایی صادر شود (و آنجاست که تبهکاران زیان ببینند). (سوره غافر / ۷۸).

شاهد این داد و ستد خردی است که از بند هوی و هوس برهد و از وابستگی‌های دنیا سالم بماند.»

خانه خدا نشان‌دهنده سادگی خانه‌های مسلمانان است: «وَلَوْ أَرَادَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَضَعَ بَيْتَهُ الْحَرَامَ وَ مَشَاعِرَهُ الْعِظَامَ بَيْنَ جَنَاتٍ وَ أَنْهَارٍ وَ سَهْلٍ وَ قَرَارٍ جَمَّ الْأَشْجَارِ دَانِي السَّمَارِ مُلْتَفَّ الْبُنَى مُتَّصِلَ الْقَرَى بَيْنَ بُرِّهِ سَمْرَاءَ وَ رَوْضِهِ خَضْرَاءَ وَ أَرْيَافٍ مُحَدِّقِهِ وَ عِرَاصٍ مُعَدِّقِهِ وَ رِيَاضٍ نَاصِرِهِ وَ طُرُقٍ غَامِرِهِ لَكَانَ قَدْ صَعَرَ قَدْرُ الْجَزَاءِ عَلَى حَسْبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ وَ لَوْ كَانَ الْإِسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا وَ الْأَخْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا بَيْنَ زُمْرَدِهِ خَضْرَاءَ وَ يَاقُوتِهِ حَمْرَاءَ وَ نُورٍ وَ ضِيَاءٍ لَحَقَفَ ذَلِكَ مُضَارَعَةَ الشَّكِّ فِي الصُّدُورِ وَ لَوْضَعَ مُجَاهِدَهُ إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ وَ لَنَفَى مُعْتَلَجَ الرَّيْبِ مِنَ النَّاسِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِخْرَاجاً لِلتَّكْبُرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ إِسْكَاناً لِلتَّذَلُّلِ فِي نُفُوسِهِمْ وَ لِيَجْعَلَ ذَلِكَ أَبْوَاباً فَتْحاً إِلَى فَضْلِهِ وَ أَسْبَاباً دُلَّالاً لِعَفْوِهِ؛ و اگر خدای سبحان می‌خواست که حرمت‌کده و مشعرهای بزرگ خود را در میان بوستان‌های پر جویبار، و دشت‌های نرم و هموار و پردرخت با میوه‌های در دسترسی، و بناهای انبوه، و روستاهای به هم پیوسته، و در میان گندمزارها با گندمهای درشت و پر مغز، و باغ‌های سرسبز، و زمین‌های حاصلخیز حلقه‌وار، و زمین‌های پر آب و بوستان‌های خرم، و راه‌های آباد قرار دهد می‌توانست، اما مقدار پاداش به خاطر ضعف آزمون اندک می‌شد. و اگر پی‌هایی که آن خانه بر آن استوار است، و سنگ‌هایی که خانه بر آنها بالا رفته است، از زمرد سبز و یاقوت سرخ و گوهرهای رخسند و تابان تشکیل می‌یافت، را از دل‌ها می‌زدود، و هرگونه تلاطم شک و تردید را از مردم برطرف می‌ساخت. ولی خداوند بندگانش را به انواع سختی‌ها می‌آزماید، و به انواع کوشش‌ها به بندگی فرامی‌خواند، و به انواع ناخوشایندی‌ها امتحان می‌کند تا تکبر را از دلشان بیرون کند، و خواری و فروتنی را در جانشان بنشانند، و اینها را درهای کشوده به روی فضلش، و اسباب آسان برای دستیابی به عفویش قرار دهد!»^۱

فصل پنجم

نسبت انسان و خانواده

انسان در این دنیا باید به رشد و تکامل برسد. برای دستیابی به این هدف لازم است اقدامات زیادی صورت گیرد که یکی از آنها ازدواج و تشکیل خانواده است. هدف اصلی در ازدواج تنها تأمین نیازهای غریزی انسان نیست بلکه مهم‌تر از آن پخته شدن و کسب تجارب لازم برای رسیدن به تکامل است. در این راستا تشکیل خانواده مبنا و مهنای لازم را پیدا می‌کند.

روابط خانوادگی

در نهج‌البلاغه بر ایجاد رابطه با خانواده‌های اخلاقی و دیندار بسیار تأکید شده است: «ثُمَّ الْوَلَقُ بِذَوِي الْمَرْوَاتِ وَالْأَحْسَابِ وَأَهْلِ الْبَيْتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالسَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ ثُمَّ أَهْلِ النَّجْدَةِ وَالشَّجَاعَةِ وَالسَّخَاءِ وَالسَّمَاخَةِ فَإِنَّهُمْ جَمَاعٌ مِنَ الْكِرَمِ وَشُعَبٌ مِنَ الْعُرْفِ؛ با صاحبان مکارم و شرافت، و خانواده‌های شایسته و دارای سوابق نیکو پیوند برقرار کن، پس از آن با دلاورمردان و شجاعان و بخشندگان و جوانمردان رابطه برقرار ساز، زیرا اینان جامع بزرگواری، و شاخه‌هایی از خوبی و احسان‌اند» (نامه ۵۳).
امام علی^(ع) در جای دیگر از مدیران اجرایی و نظامی می‌خواهد تا مدیران رده‌های دیگر را از خانواده‌های صالح انتخاب کنند تا در پیشبرد امور توفیقات بیشتری به دست آورند: «وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَالْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقاً وَأَصْحُ أَعْرَاضاً وَأَقْلُّ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَاقاً» اگر خواستی از کارمندان کسی را بیاوری، کسی را بیاور که تجربه داشته باشد و حیا و ادب داشته باشد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).»

فصل ششم

ارزش‌شناسی خانواده

الگوی خانواده مستحکم از نظر اسلام

از دیدگاه اسلام، آدم خوب همانند هر فرد خوب، نمونه جامعه اسلامی است و جامعه برین باید از اینها الگو بگیرد، نه اینکه جوان خوب، نمونه جوانان، و مردان مسن خوب، نمونه مردان مسن هستند و زنان نمونه زنان و «اگر انسانی وارسته شد، الگوی دیگر انسان‌هاست. اگر مرد است، الگوی مردم است نه مردان، و اگر زن باشد، باز الگوی مردم است نه زنان» (جوادی، ۱۳۷۵: ۱۵۳). قرآن کریم این مطلب را در آیات شریفه ۱۲-۱۰ از سوره مبارکه تحریم به صورت صریح بیان فرموده است و چهار زن را به عنوان نمونه، دو نمونه خوب و دو نمونه بد یاد می‌کند و «تاریخ اسلام گواه احترام بی‌حدّ رسول (ص) به حضرت زهرا (س) است تا نشان دهد که زن بزرگی و ویژه‌ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۳۵).

همیشه وجود الگوها و سرمشق‌های بزرگ در زندگی انسان‌ها وسیله مؤثرتری برای تربیت آنها بوده است. قرآن نیز بر این مسئله مهم صحنه گذاشته است. الگوها و سرمشق‌هایی در همه زمینه‌ها برای مؤمنان معرفی می‌کند؛ از جمله در آیه ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...﴾ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، وجود داشت... ﴿(الممتحنه/ ۴).

قرآن خانواده را یک مجموعه متعالی برای تأمین اهداف مقدّس می‌داند که برای به فضیلت رساندن آن برنامه‌ریزی می‌کند و جایگاه حقوقی و وظایف افراد را با ویژگی‌های زیر تعیین می‌نماید (ر.ک: الفرقان/ ۶۷-۶۳).

براساس آیات قرآن کریم و روایات اسلامی و کتاب شریف نهج البلاغه خانواده مطلوب ویژگی‌های زیادی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

(۱) مشی آرام و بی‌تکبر

«بندگان خاص خداوند رحمان کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر روی زمین راه می‌روند». در واقع، نخستین توصیف «بندگان خاص» خداوند، نفی کبر، غرور و خودخواهی است که در تمام اعمال انسان، حتی در کیفیت راه رفتن او آشکار می‌شود؛ زیرا ملکات اخلاقی، همیشه خود را در لابه‌لای اعمال، گفتار و حرکات انسان نشان می‌دهند تا جایی که از چگونگی راه رفتن یک انسان می‌توان با دقت و موشکافی به قسمت قابل توجه از اخلاق او پی برد.

(۲) حلم و بردباری

دومین وصف بندگان خاص خداوند حلم و بردباری است، چنان‌که قرآن در ادامه همین آیه می‌فرماید: «و هنگامی که جاهلان آنها را مورد خطاب قرار می‌دهند و به جهل و جدال و سخنان زشت می‌پردازند، در پاسخ آنها «سلام» می‌گویند»؛ سلامی که نشانه بی‌اعتنای نیست و توأم با بزرگواری است، نه ناشی از ضعف؛ سلامی که دلیل عدم مقابله به مثل در برابر جاهلان و سبک‌مغزان است.

(۳) سجده و قیام برای خدا

سومین ویژگی بندگان خاص خداوند، عبادت خالصانه پروردگار است و قرآن کریم می‌فرماید: «آنها کسانی هستند که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند». در ظلمت شب که چشم غافلان در خواب است و جایی برای تظاهر و ریا وجود ندارد، خواب خوش را بر خود حرام کرده‌اند، و به خوش‌تر از آن، که همان ذکر خدا، قیام و سجود در پیشگاه باعظمت اوست، می‌پردازند، پاسی از شب را به مناجات با محبوب می‌گذرانند و قلب و جان خود را با یاد و نام او روشن می‌کنند.

۴) ترس از کیفر الهی

چهارمین صفت ویژه آنان خوف و ترس از مجازات و کیفر الهی است: «آنها کسانی هستند که پیوسته می‌گویند: پروردگارا عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذاب آن سخت شدید و پردوام است».

۵) دوری از افراط و تفریط

پنجمین صفت ممتاز «عباد الرحمن»، «اعتدال و دوری از هرگونه افراط و تفریط» است. اینان نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی را رعایت می‌کنند.

۶) تواضع

با توجه به آیات فوق، یکی از نشانه‌های بندگان خاصّ خداوند متعال، تواضع است؛ تواضع حاکم بر روح آنها که حتی در راه رفتن آنها نمایان است؛ چنان تواضع که آنها را بر تسلیم در برابر حق وامی‌دارد، ولی گاه ممکن است بعضی تواضع را با ضعف، ناتوانی، سُستی و تنبلی اشتباه کنند که این طرز فکر خطرناک است. تواضع در راه رفتن بدن نیست که سُست و بی‌رمق گام بردارند، بلکه در عین تواضع گام‌هایی محکم و حاکی از جدّیت و قدرت بردارند. انسان تربیت‌شده به حال طبیعی خودش راه می‌رود و تکلف و تکبر ندارد.

۷) دوری از سخت‌گیری و اسراف

بدون شک، «اسراف» یکی از ناپسندیده‌ترین اعمال از دیدگاه قرآن و اسلام است و در آیات و روایات، نکوهش فراوانی از آن شده است. «اسراف» یک برنامه فرعونی است: ﴿...وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ: ...فرعون برتری‌جویی در زمین داشت و از اسراف‌کاران بود﴾ (یونس/۸۳)، ﴿...وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ: ...و مسرفان اهل آتش‌اند!﴾ (غافر/۴۳).

امروزه ثابت شده است که منابع روی زمین - با توجه به جمعیت انسان‌ها - آن قدر زیاد نیست که بتوان اسراف کرد و هر اسراف‌کاری سبب محرومیت انسان‌های بی‌گناه خواهد بود. به‌علاوه، روح اسراف، معمولاً توأم با خودخواهی، خودپسندی و بیگانگی از

خُلُق خدا است. در عین حال، بخل، سختگیری و خسیس بودن نیز به همین اندازه زشت، ناپسند و نکوهیده است (ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۵۴: ۱۵۴-۱۴۶).

۸) پرهیز از ارزش‌های اشرافی

در نهج‌البلاغه تأکید شده که خانواده‌های اسلامی باید از افتادن در دام اشرافیت دنیاطلب دوری کنند؛ زیرا اسلام برای مقابله با این نوع از سبک زندگی به ظهور رسیده است. از این جهت است که علی^(ع) یاران خود را از زیست اشرافی به شدت منع می‌کرد:

«و من کتاب له (علیه‌السلام) لشریح بن الحارث قاضیه: وَ رُوِيَ أَنَّ شُرَيْحَ بْنَ الْحَارِثِ قَاضِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه‌السلام) اشترى على عهده داراً بثمانين ديناراً فبلغه ذلك فاشتدعى شريحاً وقال له: بلغني أنك ابتعت داراً بثمانين ديناراً و كتبت لها كتاباً و أشهدت فيه شهوداً. فقال له شريح: قد كان ذلك يا أمير المؤمنين، قال فنظر إليه نظر المغضب، ثم قال له: يا شريح: أما إنني سيأتيك من لا ينظر في كتابك و لا يسألك عن بينتك حتى يخرجك منها شاخصاً و يسلمك إلى قبرك خالصاً فانظر يا شريح لا تكون ابتعت هذه الدار من غير مالك أو نقدت الثمن من غير حلالك فإذا أنت قد خسرت دار الدنيا و دار الآخرة. أما إنك لو كنت أتيتني عند شرائك ما اشتريت لكتبت لك كتاباً على هذه النسخة فلم ترغب في شراء هذه الدار بدينارهم فما فوق. و النسخة هذه: هذا ما اشترى عبداً دليلاً من مئة قد أزعج للرحيل اشترى منه داراً من دار الغرور من جانب الفانيين و خطبة الهالكين و تجمع هذه الدار حدوداً أربعة الحد الأول ينتهي إلى دواعي الآفات و الحد الثاني ينتهي إلى دواعي المصيبات و الحد الثالث ينتهي إلى الهوى المردي و الحد الرابع ينتهي إلى الشيطان المغوي و فيه بشرع باب هذه الدار اشترى هذا المعتز بالأمل من هذا المزعج بالأجل هذه الدار بالخروج من عز الفئاعة و الدخول في ذل الطلب و الصراعة فما أدرك هذا المشتري فيما اشترى منه من ذك فعلى مبلبل أجسام الملوک و سالب نفوس الجبابرة و مزيل ملك الفراعنة مثل كسرى و قيصر و تبع و جمير و من جمع المال على المال فأكثر و من بنى و شيد و زحف و نجد و ادخر و اعتقد و نظر بزعمه للولد إشخاصهم جميعاً

إِلَى مَوْقِفِ الْعَرْضِ وَ الْجَسَابِ وَ مَوْضِعِ النَّوَابِ وَ الْعِقَابِ إِذَا وَقَعَ الْأَمْرُ بِفَضْلِ الْقَضَاءِ وَ حَسْبِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ شَهِدَ عَلَى ذَلِكَ الْعَقْلُ إِذَا حَرَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَى وَ سَلِمَ مِنْ غَلَائِقِ الدُّنْيَا؛ نامه‌ای است از امیرالمؤمنین^(ع) که آن را به قاضی خود، شریح‌بن حارث، نوشته است: روایت شده است که شریح‌بن حارث، قاضی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، در زمان خلافت آن حضرت، سرایی به هشتاد دینار خرید، این خبر به آگاهی امیرمومنان رسید، شریح را نزد خود خواند و به او گفت: به من خبر رسیده است که تو، سرایی به هشتاد دینار خریدهای و قباله و سند آن را نوشته‌ای و چند شاهد برای این معامله قرار داده‌ای، شریح گفت: چنین بوده است ای امیرمومنان، راوی گفت که در این وقت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نگاهی غضب‌آلود به وی افکند، سپس به او گفت: ای شریح، آگاه باش و بدان که همانا به زودی کسی به سراغ تو می‌آید که به نوشته و قباله سرای تو، نگاه نمی‌کند و از حجت و شاهد تو نمی‌پرسد تا آن زمان که تو را از آن، به حالت کوچ به سوی آخرت، بیرون ببرد و تنها و بدون هیچ‌چیز به گورت بسپارد، بنابراین، ای شریح درست بیندیش، چنین نباشد که آن سرای را از مالی، به جز مال خودت، خریده باشی یا بهای آن را به جز از مال حلالیت حاضر و آماده کرده باشی که در این صورت در سرای دنیا و سرای آخرت، زیانکار شده‌ای آگاه باش و بدان که تو اگر در هنگام خریدن آن سرایی که خریده‌ای، نزد من آمده بودی، هر آینه قباله و نوشته‌ای مطابق این نسخه برای تو می‌نوشتیم که در نتیجه آن، تو به خریدن آن سرای به یک درهم و بالاتر هم رغبت نمی‌کردی. نسخه چنین است: این چیزی است که بنده‌ای ذلیل از بنده‌ای که برای کوچ از دنیا رانده‌شده، خریده است سرایی از دارالغرور (سرای فریب‌دهنده یعنی دنیا) در ناحیه فنا شونده‌گان و محدوده هلاک شونده‌گان از وی خرید که این سرای محدود به چهار حد است: حد اول به علل و اسباب آفت‌ها و رنج‌ها منتهی می‌شود، حد دوم، به موجبات مصیبت‌ها می‌رسد، حد سوم به هوی و هوس هلاک‌سازنده و حد چهارم به شیطان گمراه‌کننده، پایان می‌یابد و در این حد چهارم است که در این سرای، آغاز و باز می‌شود. سرایی با این حدود را، فریب‌خورده آرزو از این رانده‌شده به‌سوی مرگ، خرید در برابر و با قیمت

بیرون رفتن از دایره عزت و شرف قناعت و وارد شدن در ذلت و خواری درخواست از دیگران و پست کردن و حقیر شمردن خود در برابر مردمان. رسیدگی به زیانی که از این معامله به خریدار وارد شده، بر عهده تباه سازنده جسم پادشاهان و رباینده جان‌های جباران و ستمگران و از میان برنده پادشاهی فرعونان، همانند کسری و قیصر و تبع و حمیر و (نابودکننده کسانی که مال بر روی مال نهادند و آن را افزون ساختند) و بنا نهادند و آن را محکم و استوار کردند و در و دیوار آن را آراستند و فرش‌های نیکو در آن گسترده و مال اندوختند و باغ و مزرعه احداث کردند و به گمانشان، آنها را برای فرزندان آماده می‌کنند و می‌اندوزند (آری بر عهده چنین کسی است) فرستادن همه آنها به محل نشان دادن اعمال و رسیدگی به حساب و در جای تعیین ثواب و عقاب، در آن هنگام که فرمان الهی برای داوری در مورد جدا شدن حق و باطل از یکدیگر صدور یابد و خسر هنا لک المبطون (کسانی که به راه باطل می‌روند) (و می‌رفتند) در آنجا زیانکار خواهند بود) و عقل در آن هنگام که از اسیری هوی و هوس بیرون و از علاقه‌ها و بندهای دنیا برکنار باشد شاهد و گواه این معامله است» (نامه ۳).

فصل هفتم

وظیفه‌شناسی خانواده

اعضای خانواده در نهج‌البلاغه در رابطه با یکدیگر وظایفی دارند که موظفانند آنها را در زندگی عملی سازند. برخی از این وظایف با سایر فرهنگ‌های بشری یکسان و برخی متفاوت هستند که در ادامه به ذکر برخی از اینها می‌پردازیم:

(۱) پاک‌دامنی

حضرت زنان پاک‌دامن را فرشته‌ای از فرشتگان الهی می‌داند و پاکی آنان را از مجاهدت در راه خدا و شهادت هم بالاتر می‌داند. (حکمت ۴۷۴) و پایبندی به اصول خانوادگی و عدم اجازه ورود نامحرم به حریم زندگی را از صفات کمالی زن می‌داند. (حکمت ۲۳۴).

همچنین امیرمؤمنان^(ع) به مردان می‌گوید در پوشش همسرانتان و روابطشان دقت داشته باشید که این کار بهترین امور برای حفظ پاکی و سلامت زن است. (نامه ۳۱) اما این بدان معنا نیست که مرد غیرت و تعصب و سختگیری بی‌موردی داشته باشد (حکمت ۳۶۰)؛ چون همان‌طور که حضرت^(س) می‌فرمایند غیرت بی‌مورد درستکار را بیمار دل و پاک‌دامن را به بدگمانی می‌اندازد. (نامه ۳۱).

خوش‌خلقی یکی از عناصر مهم اخلاق است که جریان آن در خانواده می‌تواند به استحکام خانواده کمک شایانی بکند. از این فضیلت با عنوان گرامی‌ترین و با ارزش‌ترین فضیلتی یاد شده که در رأس تمام امور خانواده قرار دارد، اخلاق نیکو (حکمت ۳۸) و سعی در رفع نیازهای یکدیگر است.

حضرت در بیانی می‌فرمایند: «اگر اندوهی از اعضای خانواده بزداييم و دل آنها را شاد سازيم، خداوند اين شادی را لطفی برايمن قرار می‌دهد که هنگام غم روزگار، چون آب زلالی برايمن باریدن می‌گیرد و اندوه و غم‌هايمن را می‌شوید.» (حکمت ۲۵۷).

امام علی^(ع) جهاد زن را نیکو شوهرداری دانسته (حکمت ۱۳۶) و به مردان توصیه می‌کند هرگز با پرخاشگری با زنانان سخن مگوئید و هیچ‌گاه با چوب و سنگ آنان را میازارید که این برخورد حتی در جاهلیت هم جایگاهی نداشت و چنین شخصی مورد مذمت بوده و هست. (نامه ۱۴) سعی زن و شوهر باید عیب‌پوشی از یکدیگر باشد. (خطبه ۱۴۰).

برای یک زندگی سالم و با آرامش رعایت تناسب از نظر ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی امری مسلم است. چنانکه تقریباً اکثر افراد با انتخاب لباس خاص با توجه به آیه «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» در واقع نوع بینش و طرز تفکر خود را بروز و آشکار می‌سازند و در صورت عدم تناسب باعث احساس نامطلوب و مشکلات فراوانی را با خود به همراه خواهد داشت. مولا علی^(ع) در همین زمینه می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّهُ مِنْ رَقِّ ثَوْبِهِ رَقَّ دِينُهُ؛ بر شما باد پوشیدن لباس‌های ضحیم، زیرا کسی که جامه‌اش نازک باشد، دینش نازک شود.» از این رو عدم تناسب بین فرد و همسر او که همچون لباس دائمی است مشکلات روانی و نیز زمینه انحراف فکری و اعتقادی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین پیشوایان دینی بحث کفویت زن و مرد را مطرح کرده‌اند.

۲) مشاوره با یکدیگر

یکی از عواملی که سبب تفاهم و همکاری اعضای خانواده می‌گردد، وجود روحیه مشورت در خانواده است که در عین ایجاد خانواده‌ای مستحکم و صمیمی، بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی نیز هست. مشورت اعضای خانواده تنها به منظور رفع مشکلات در درون خانواده ضرورت نمی‌یابد بلکه خود مشورت یکی از

عوامل رفع پاره‌ای از مسایل و مشکلات است. مولی علی^(ع) می‌فرمایند: «وَلَا ظَهِيْرَ كَالْمُشَاوِرَةِ: هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست» (نهج‌البلغه / ح ۵۴). در طول تاریخ زندگانی بشر نیز بهترین و مستحکم‌ترین کانون‌های خانوادگی آنهایی بوده‌اند که در آن، زن و شوهر و فرزندان با همفکری و همکاری حرکت نموده‌اند. نمونه بارز و برترین الگوی آن در زندگی امام علی^(ع) و حضرت زهرا^(س) به چشم می‌خورد.

۳) جریان عشق، مهر و محبت میان اعضای خانواده

انسان تشنه دوستی و محبت است. انگیزه بسیاری از تلاش‌ها و زحمات طاقت‌فرسای زندگی، محبت است و وجود آن در خانواده، انسان را به فعالیت و کسب معاش وامی‌دارد. حفظ حرمت و شخصیت دیگران، در گروهی احترامی است که در برخوردها از انسان ظاهر می‌گردد. رعایت این مسئله، به‌ویژه از سوی کسانی که با هم انس و الفتی دارند، باعث استحکام دوستی و گرمی روابط خواهد شد که بارزترین مصداق آن خانواده است. در واقع، اخلاق نیک به‌مثابه روغنی است که از سایش و فرسودگی قطعات انسانی در اثر برخورد و اصطکاک مداوم جلوگیری می‌کند. امام صادق^(ع) بر کوشش در مهرورزی نسبت به برادران دینی تأکید نموده است و چه نیکوست که این امر از خانواده آغاز گردد: «شایسته است مسلمانان در یاری بر مهر ورزیدن به هم کوشا باشند که خدای عزّ و جلّ فرموده است: ﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۹۶). مهر و محبت اعضای خانواده به هم سبب جلب رضایت و رحمت خدا می‌شود که بدیهی است چنین خانواده‌ای پایدار و سعادتمند است. امام سجاد^(ع) در مورد ضرورت مهرورزی به همسران چنین فرمودند: «حقّ همسرت آن است که بدانی خداوند عزّوجلّ او را مایه سکون و همنشینی تو قرار داده است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر توست. پس او را گرمی بدار و با او با رفق و مدارا برخورد نما و هرچند حق تو بر او بیشتر است، اما حق او بر تو این است که با او مهربانی کنی» (حرّانی، ۱۳۶۳: ۲۶۲).

علاوه بر همدلی و همراهی تقدس حق شوهر بر زن چنان والاست که هم‌ردیف شرکت در جهاد فی سبیل الله قرار گرفته، چنان که امیرمؤمنان^(ع) می‌فرماید: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ: جهاد زن، نیکو همسرداری کردن است» (نهج‌البلاغه/ ح ۱۳۶).

خانه‌ای که جو حاکم بر آن سرشار از محبت، عاطفه، تفاهم، آرامش و احترام باشد، افراد متعادل و با شخصیت رشد یافته‌ای، سر برمی‌آورند؛ اما خانه‌ای که روح فرزندان خود را از کینه‌توزی، تغذیه می‌کند که اساس آنها ترس و خشم است. چنین خانواده‌ای کاروان‌هایی از افراد منحرف و جنایتکار به سوی جامعه سرازیر می‌کند. اگر نیک بنگریم خواهیم دید که آن خانه‌ی گلی و خشتی که علی و فاطمه (صلوات ... علیهم) در آن زیسته‌اند و فرزندانی چون جوانان اهل بهشت، امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) را تربیت نموده‌اند، در سایه‌ی محبت الهی و عطر الفت و پاک‌دامنی بوده که بوی آن هنوز هم انسان‌ها را شیفته‌ی خود می‌سازد. پس محبت مانند آبی است که به گیاه می‌رسد، اگر نباشد گیاه می‌خشکد و اگر بیش از حد شود ریشه گیاه می‌گندد و خراب می‌شود و گیاه می‌خشکد.

از محبت تلخ‌ها شیرین شود از محبت مس‌ها زرین شود

قرآن کریم محبت نسبت به یکدیگر را این‌گونه سفارش می‌نماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»، «آنان که ایمان آورده‌اند و شایسته‌ها انجام داده‌اند خداوند بخشایشگر برایشان دوستی قرار می‌دهد. و یا در آیه‌ای دیگر به محبت و علاقه بین همسران تأکید شده است. «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»، «در میان شما با همسرانتان دوستی قرار داد و مهر افکند».

۴) عدالت در خانواده

دین اسلام بر رعایت مساوات و عدالت در خانواده، تأکید فراوانی نموده و از هرگونه تبعیض و امتیاز بیجا به برخی یا یکی از فرزندان به شدت منع نموده است. همچنین از تبعیض بین دو جنس دختر و پسر و محبت بیش‌ازاندازه به پسران که ریشه در عصر جاهلیت داشت، پدر و مادر را تنبه می‌دهد. امام علی^(ع) می‌فرماید:

فصل ششم: ارزش‌شناسی خانواده | ۵۳

«ان النبی «صلی الله علیه و اله» ابصر رجلا له ولدان فقَبِل احدهما و ترک الآخر. فقال رسول الله (ص): فهَلَّا و اسیت بینهما»، «پیامبر (ص) کسی را دید که دو فرزند داشت. یکی را بوسید و دیگری را رها کرد [در این هنگام] پیامبر خدا [به وی] فرمود: «چرا میان آنان یکسان عمل نکردی؟!» با توجه به این حدیث نورانی، عدالت ورزی حتی در محبت و بوسیدن فرزندان بایستی رعایت شود تا مانع از حسادت و کینه‌ورزی آنان نسبت به هم شویم.

۵) عدم انتظارات نامعقول

حضرت در وصیتی به امام حسن (ع) می‌فرمایند: «پسرم! زنان چون گل‌های بهاری هستند نه پهلوانان سخت‌کوش؛ پس هرگز کاری برتر از توانایی آنها از آنان انتظار نداشته باش (نامه ۳۱) و هرگز آنان را با آزار دادن تحریک مکن که آنان در نیروی بدنی و روانی کم توانند.» (نامه ۱۴)

با تمام سفارش‌هایی که حضرت در مورد احترام به زن و خانواده دارند و تلاش برای مهیا کردن شرایط بهتر برای زن را چون جهاد می‌دانند؛ اما هرگز با نگاه‌های فمینیسمی موافق نیستند و با صراحت در مواردی نگاه‌های زن‌سالاری را محکوم و اشتباه می‌دانند.

۶) تعاون و همکاری و تقسیم کار

در یک خانواده منسجم، پویا و اعتدال‌گرا هر یک از اعضاء در کارها و رفع سختی‌ها و مشکلات با هم دیگر مشارکت و همکاری دارند. ضروری‌ترین عامل در استواری هر کانون انسانی، (تقسیم کار) است و در تعیین چگونگی تقسیم کار، بیش از هر چیز می‌باید به استعدادهای تکوینی مرد و زن نظر داشت و چنین دقت نظری بدون بهره‌گیری از افق برتر وحی امکان‌پذیر نخواهد بود. از سوی علی بن ابی‌طالب (ع) در خانه با همسرش زهرا (س) همکاری می‌کرد. کار خانه را زهرا به اختیار خودش انتخاب کرده و علی (ع) به او تحمیل نمی‌کند. درعین حال علی (ع) می‌خواهد فشاری بر همسر عزیزش وارد نیاید (و در کارها به او کمک می‌کند).

هنگامی که رسول خدا^(ص) پیشنهاد تقسیم کار در منزل امام علی^(ع) را می‌دهند، حضرت فاطمه^(س) مسرور شده و رضایت خویش را این‌گونه ابراز می‌نماید: «فَلَا يَغْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ الشَّرِّ إِلَّا اللَّهُ بِإِكْفَائِي رَسُولُ اللَّهِ ص تَحْمَلُ رِقَابَ الرِّجَالِ؛ جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار [کار منزل بر عهده زهرا^(س)] و تدبیر امور بیرون بر عهده علی^(ع)] تا چه اندازه مسرور و خوشحال شدم؛ چراکه رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت.»

۷) گفت‌وگوی صمیمی

در خانواده‌های صمیمی و موفق، همواره بستر لازم برای گفت‌وگوهای شاد و جذاب فراهم است. نگرش مثبت به مسائل، دادن فرصت اظهار بیان برای تک‌تک اعضای خانواده و رعایت اصل مهارت گوش دادن بدون قضاوت و پیش‌داوری و ارزیابی سریع، سبب رشد و احساس هویت و شخصیت خانواده را به دنبال دارد. متأسفانه با همه‌گیر شدن تکنولوژی و فناوری، از جمله اینترنت و ماهواره و ... ارتباط کلامی خانواده‌ها به کمترین حد خود نزدیک می‌شود و به عبارتی بهتر خانواده از یک فضای صمیمی، ارتباط نزدیک، تبادل افکار و حل مشکلات به سپری کردن اوقات در زیر یک سقف مبدل گشته است. بنابراین صحبت کردن با چهره بشاش موجب می‌شود تا رایحه دل‌انگیز دوستی، فضا و محیط خانه و خانواده را معطر گردانند. و امام متقیان علی^(ع) می‌فرمایند: «أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ؛ زیبا خطاب کنید، تا جواب زیبا بشنوید.»

۸) توجه به ظرایف روحیات همسر

زن و مرد در کانون گرم خانواده با درک روحیات یکدیگر می‌توانند مسیر پرپیچ و خم زندگانی را با آرامش و زندگی پشت سر بگذارند و در این مسیر درک و توجه به روحیات ظریف زن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین هر کلمه، گفتار و حرکت، دربردارنده بار عاطفی و روانی خاصی است که تأثیر مثبت و منفی مستقیمی می‌تواند ایجاد نماید. از این‌رو همسر خانواده دوست دارد در ارتباط با او صحبت

فصل ششم: ارزش‌شناسی خانواده | ۵۵

محترمانه با عواطف سرشار از محبت و احترام دریغ ورزیده نشود. شوهر باید به همسرش از این منظر که او امانت الهی است و فردی مستعد کمال، پیشرفت و تحول در عرصه زندگی است به او بنگرد. امام علی^(ع) در شأن حضرت زهرا^(س) و رضایت از او می‌فرماید: «فَوَ اللَّهُ مَا أَغْضَبْتُهَا وَ لَا أَكْرَهْتُهَا عَلَيَّ أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا أَغْضَبْتَنِي وَ لَا عَصْتُ لِي أَمْرًا؛ سوگند به خدا من زهرا را تا هنگامی که خداوند او را به سمت خود برد خشمگین نکردم در هیچ کاری موجب ناخشنودی او نشدم، او نیز مرا خشمگین نکرد و هیچ‌گاه مرا نافرمانی نکرد».

۹) سازگاری

سازگاری عبارت از اینکه زوجین با کم‌وزیاد هم از حیث‌های گوناگون بسازند و با رفاقت و همدلی کمبودهای یکدیگر را برطرف نمایند. پس برای داشتن یک زندگی به دور از تنش و پرخاش باید از موشکافی عیوب و ایرادهای احتمالی همدیگر و به رخ کشیدن آنها جدا اجتناب کنند و عیب‌پوشی و سازگاری را سرلوحه‌ی زندگی قرار دهند. همچنین زن و مرد بایستی مصلحت زندگی‌شان را بر منفعت شخصی ترجیح دهند و از آن بالاتر مصلحت زندگی خودشان را به خاطر دخالت اطرافیان پایمال نمایند. امام علی^(ع) در مورد سازگاری زن و مرد می‌فرماید: «الرَّوْجَةُ الْمُؤَافَقَةُ إِحْدَى الرَّاحَتَيْنِ؛ زن سازگار یکی از دو آسایش است».

۱۰) پرهیز از تقاضاهای نامقدور

امروزه یکی از مشکلات رایج در خانواده‌ها این است که امکانات زندگی خودشان را با وسایل و امکانات زندگی دیگران مقایسه می‌کنند در نتیجه انتظار و توقعشان بیشتر از توان مالی همسرشان می‌شود و این مسئله موجب احساس سرشکستگی و عدم لذت بردن از زندگانی خود می‌شود. از این‌رو زمینه و ریشه بسیاری از درگیری‌ها و نزاع‌ها در محیط خانواده ناشی از چشم هم‌چشمی‌هاست. از جمله ضررهای تقاضاهای نامقدور در کانون خانواده عدم تعادل مالی است که موجبات قرض، ربا، اقساط با مبالغ درشت و ناتوانی در پرداخت آن را به خانواده تحمیل می‌کند. حضرت

علی^(ع) در همین مورد می‌فرمایند: «كَثْرَةُ السُّؤَالِ تُورِثُ الْمَلَالَ؛ درخواست زیاد، ملال به بار می‌آورد».

(۱۱) تشویق و ترغیب

خصلت تشویق و ترغیب در خانواده یکی از مهم‌ترین رموز رشد، نشاط، هم‌افزایی و تحکیم آن را در پی دارد. گاه چنان فضای تحقیر، تنبیه و سرزنش در خانواده پیدا می‌شود که جرأت اظهارنظر کردن و تکاپو را از اعضای خانواده می‌گیرد و گاه چنان تشویق‌های بی‌مورد و بیجا صورت می‌گیرد که سبب توقعات بیش از حد می‌شود. از این رو جایگاه تشویق در خانواده‌ها بسیار مغتنم است که متأسفانه مورد غفلت و بی‌توجهی قرار می‌گیرد. امام علی^(ع) در عهدنامه‌ای که به مالک اشتر نخی نوشتند، او را به ارزش‌گذاری و بهاء دادن به نیکان صالح فرمان دادند: «لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ - فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ - وَ تَدْرِيبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ؛ هرگز نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان و در یک جایگاه نباشند؛ چراکه در این کار، بی‌رغبتی نیکوکاران در امر نیکوکاری است، و ورزیدگی و شوق بدکاران برای بدی است».

(۱۲) هنر گوش دادن

برای یک زندگی موفق، امر حیاتی است که زن و مرد به حرف‌های هم گوش جان بسپارند. در واقع با گوش دادن به حرف همدیگر، اهمیت و ضرورت طرف مقابل در زندگی را گوشزد می‌نماید. متأسفانه غالباً افراد دوست دارند متکلم وحده باشند و غافل از این نکته هستند که گوش دادن همراه با سکوت به عنوان یک هنر و مهارت تلقی می‌شود. مولای متقیان علی^(ع) می‌فرمایند: «عَوَّدُ أذُنَكَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ وَ لَا تَضَعُ إِلَى مَا لَا يَزِيدُ فِي صَلَاحِكَ اسْتِمَاعُهُ؛ گوش خود را به شنیدن عادت بده و به سخنانی که بر اصلاح و پاکی تو چیزی نمی‌افزاید گوش فرامده».

۱۳ پاسخ مثبت به خواسته‌های جنسی همسر

یکی از نکات مهم در تحکیم و ثبات بنیان خانواده برآورده شدن صحیح نیاز جنسی زن و مرد است. شاید علت پنهان بسیاری از طلاق‌ها، خیانت‌ها و اختلافات ریشه در عدم پاسخ درست به این غریزه است. امام علی (ع) در کلام حکیمانه‌ای می‌فرماید: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَى وَ لَا يَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ إِلَى قَلْبِهِ سَبِيلًا وَ لِيُضْرِفَ بَصَرَهُ عَنْهَا؛ هرگاه فردی از شما زنی (زیبا) را دید که او را به شگفتی واداشت، به نزد همسر خود برود؛ چراکه همسر او نیز مثل همین خصوصیات را داراست. پس اجازه نفوذ شیطان را به قلب خویش ندهد تا چشم خود را از آن زن برگرداند».

۱۴ عدم سوءظن و غیرت بی‌مورد نسبت به همسر

معمولاً چنانچه هر صفت و رفتار درست به‌اندازه و در جایش مورد استفاده قرار نگیرد؛ به صورت معکوس عمل خواهد کرد؛ یعنی اصل غیرت که در نهاد مرد از سوی پروردگار متعال به ودیعه گذاشته شده، صفتی برین است اما اگر این صفت دچار نوسان و افراط و تفریط شود؛ می‌تواند سبب بحران و اختلاف در خانواده شود. از این رو داشتن سوءظن بیجا نسبت به همسر در رفت‌وآمدهای فامیلی و فعالیت‌های اجتماعی باعث خواهد شد تا کانون گرم خانواده به دریاچه یخ تبدیل گردد؛ بنابراین آزادی‌های مشروع زن پایمال شده و محبت و صمیمیت رخت بر بسته و تلخ‌کامی، شکوه و اعتراض جایگزین خواهد شد. حضرت می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ التَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السُّقْمِ وَ لَكِنْ أَحْكَمْ أَمْرَهُنَّ؛ بپرهیز که غیرت نابجا، زن سالم را به بیماری می‌کشاند و پاک‌دامن را به بدگمانی (و اندیشه گنهکاری) درباره آن محکم کارکن».

۱۵ صبر و تحمل یکدیگر

در قرآن به دفعات به صبر و بالا بردن سطح مقاومت بارها سفارش شده است: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...؛ از صبر و نماز یاری جوید...﴾ (البقره/ ۴۵). بر اساس

این آیه، قرآن به صبر و شکیبایی فراخوانده است. آموزه و توصیه اسلام و قرآن در عرصه‌های زندگی پر غوغا و پُر آشوب، کسب صفات ایمان در برابر کفر و بی‌دینی، عمل و کار نیک در برابر بی‌عملی و بی‌تقوایی، پیروی از حق و حقیقت در برابر باطل و ناحق، و صبر و مقاومت در برابر مشکلات و مصایب است: ﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾؛ سوگند به عصر * که انسان‌ها همه در زیانند، * مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش می‌کنند و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه می‌نمایند ﴿(العصر / ۱-۳).

این از آن روست که برای فرد شکیبا تنها آسیب ناشی از مصیبت باقی می‌ماند که آن هم در اثر صبر، از هم فرومی‌پاشد. چنان‌که امام علی^(ع) فرمودند: «الصَّبْرُ يَمْحُصُ الرَّزِيَّةَ؛ شکیبایی مصیبت را از هم می‌پاشد» (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۸۴). اما برای فرد بی‌قرار و بی‌تاب، هم آسیب ناشی از مصیبت می‌ماند و هم آسیب‌های ناشی از بی‌تابی‌ها، لذا اگر بی‌تابی بر کسی چیره شود، روی آسایش را نخواهد دید.

یکی از بسترها و لوازم داشتن زندگی توأم با آرامش و محبت، به‌کارگیری صبر و تحمل در طول زندگی است؛ بنابراین با فهم این نکته که غیر از حضرات معصومین (علیهم‌السلام) اکثر ما انسان‌ها دچار لغزش و خطا می‌شویم، زمینه را برای اغماض و چشم‌پوشی از لغزش‌های احتمالی فراهم می‌نماید. همچنین زن و مرد با همفکری و سنجیدن تمام جوانب مسائل و مشکلاتشان از هرگونه تکرور و خودکامگی و استبداد رأی باید اجتناب نمایند. زندگی بدون صبر و تحمل همچون حبابی در هواست و عامل ورزیدگی و پختگی زن و مرد در اثر رعایت این مسئله است. امام در فرمایشی جمیل می‌فرمایند: «الصَّبْرُ أَحْسَنُ خَلَلٍ [حُلَلٍ] الْإِيْمَانِ وَ أَشْرَفُ خَلَائِقِ الْإِنْسَانِ؛ صبر نیکوترین خصلت ایمان و ارجمندترین خوی انسان است.»

۱۶) هم‌پوشانی عیوب یکدیگر

انسان‌ها برای محفوظ ماندن از سردی و گرمی هوا نیاز به لباس دارند. همچنین برای در امان ماندن از آسیب‌های روحی و جسمی، زن و مرد به همدیگر به عنوان پوشش و عایق در برابر آسیب‌ها نیازمند هستند. آن امام همام می‌فرمایند: «اَسْتُرْ عَوْرَةَ أَخِيكَ لِمَا تَعَلَّمَهُ فَيْك؛ گناه و لغزش برادرت را بیوشان؛ چون آن را در خودت نیز سراغ داری».

نشر نوشتاخت منتشر کرده است:

- خُلقِ عظیم در آئینه عرفان: دکتر مصطفی گرجی- عفت نادری نژاد
- درس‌نامه نهج‌البلاغه؛ جلد ۱- بیرون‌شناخت: دکتر بخشعلی قنبری
- درس‌نامه نهج‌البلاغه؛ جلد ۲- حکمت‌شناخت: دکتر بخشعلی قنبری
- تبلیغ در نهج‌البلاغه در بستر نظرات: دکتر بخشعلی قنبری
- معناشناسی به‌مثابه‌ی روش: دکتر بخشعلی قنبری
- عقل و ملازمه آن با شرع: دکتر رضا رنجبر
- کارآفرینی و نوآوری: دکتر ناصر رحمدل
- منابع انسانی از بیرون به درون: دکتر ناصر رحمدل- ناصر پورصادق
- ماهیت و مبانی فقهی غنا در موسیقی: دکتر رضا رنجبر
- فرداست فرودست: رضا مرادی خلیفه‌لو
- بررسی خیار تدلیس در فقه امامیه: مریم پوربابایی
- جرج فاکس؛ احوال و آراء: مینو طهرانی بنی‌هاشمی
- تاریخچه خانوادگی قره‌چورلوهای مُرور: محمود مرادزاده
- قصاص و دیات در ادیان (اسلام - مسیحیت - یهود): حسین فاطمی اطهر
- خانواده متعالی (سبک زندگی): حسین فاطمی اطهر
- نیم‌نگاهی به سیاست‌های فرهنگی قبل و بعد از انقلاب: حسین فاطمی اطهر
- خانواده و اخلاق: حسین فاطمی اطهر
- مفهوم زیرکی و فریب‌کاری به‌روایت قرآن کریم و نهج‌البلاغه: ایمان کلباسی
- تفسیر آینه (شرح اخلاقی و عرفانی نهج‌البلاغه) - دفتر اول: دکتر بخشعلی قنبری
- بحران‌های انسان معاصر در کلام امام‌علی^(ع): شهناز ناظریان
- جلوه‌گاه دیدار؛ بازتاب مُاز در آینه آیات و روایات: ولی مردندی
- روانشناسی شغلی کارکنان: علی‌اصغر فتح‌اللهی- دکتر نجمه وکیلی
- آسیب‌شناسی آموزش ریاضی پایه اول متوسطه براساس نظریه میلر: مرضیه نظری‌نیا
- حوزه‌های معنایی سعادت در نهج‌البلاغه: شهناز پیرزاد
- پیش‌تازان مدل‌های کسب‌وکار: دکتر ناصر رحمدل- دکتر مهران کشتکار هرانکی- منوچهر رحمدل
- حفاظت از محیط‌زیست در آموزه‌های امام علی^(ع): نسرین صیادی اناری
- معناشناسی حریت در نهج‌البلاغه: افسانه صبوری
- یوسف شعار و آیات اکمال و مودت در دیدگاه مفسران معاصر فریقین: افسانه صبوری
- مدیریت دانش: دکتر ناصر رحمدل
- اصول مدیریت: دکتر ناصر رحمدل
- اصول ساخت دانش: دکتر ناصر رحمدل
- تحلیل داده‌های کیفی با نرم‌افزار MAXQDA 2020: دکتر ناصر رحمدل
- پدیده وحی به‌روایت محمد غزالی و فیض کاشانی: دکتر سعیده سعیدی
- سلامتی جسم و روح در کلام امام علی^(ع): مرضیه نیکی ملکی
- نظام تربیتی نهج‌البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری
- بررسی عرفانی جایگاه ولی و اولیای الهی در قرآن کریم: عمران آقاچانی فلجی
- جوهر به‌روایت جان لاک و ملاصدرا: دکتر ابراهیم ابرسجی
- ذبح عظیم از منظر قرآن و روایات: محسن نادى
- زمان و مکان مقدس به‌روایت قرآن کریم و عهدعتیق: فاطمه غفاری
- عشق و محبت در نهج‌البلاغه و مثنوی: فاطمه السادات منتظری
- آشپزی فاطمیا: فاطمه کشاورزی
- ایمان به‌روایت عزالدین محمود کاشانی و آگوستین: شهلا امید سیدلر
- انسان آرمانی به‌روایت بودایی مه‌ایانه و تشییع الهه صفری دره‌ئی
- تیین و حیانی رابطه دعا با غیب: مریم زیبوداری
- پدیدارشناسی محبت و عشق از دیدگاه روزبهان بقلی: فاطمه شریفی
- بررسی روان‌شناختی اهداف امتحان در قرآن کریم: عطیه شعاع
- اعجاز قرآن در مواجهه با مخالفان در تفاسیر فریقین، با تأکید بر سوره سبأ: طاهره نیایی‌موحد؛ سیدرضا هاشمیان



نشر نوشتاخت منتشر کرده است:

- چکامه عشق «مجموعه مقالات» مریم سادات واقفی
- حقیقت مطلق به روایت سیدارتا گوتاما بودا و شیخ محمود شبستری: عطا مصطفایی
- تجربه زیسته «مجموعه نوشته‌ها»: علی قنبری
- پاسداشت طبیعت در آیین زرتشت: نفیسه صفاری
- مشکلات کودکان «ریشه و راهکارها»: حمیده رزاقی
- آتش عشق «رابطه انسان با خدا به روایت ریچارد رول و احمد غزالی: فاطمه سادات فرجی
- تحلیل پیش‌فرض‌های تفسیری ابن‌قتیبه: دکتر محمدعلی حکمت
- نهج‌البلاغه آموزشی- باب‌الحکم: دکتر بخشعلی قنبری
- اندیشه‌های کلامی اخوان الصفا: دکتر ابراهیم ابرسجی
- نهج‌الولایه: جواد کاظمی
- نهج‌البلاغه‌پژوهی «مجموعه مقالات»: دکتر علی واشقانی فراهانی
- ذات و صفات خدا در اندیشه فضل‌بن‌شاذان و اتین ژیلسون: دکتر صفرعلی عارفخانی
- معنویت و روان: زینب خسروی
- تأثیر نواندیشی دینی بر اندیشه سیاسی آیت‌الله بروجردی^(ره): میثم منتشلو
- اصول کشت و کار گیاهان دارویی: مهدی قنبری
- بررسی دین‌شناختی مسأله شر از دیدگاه ابن‌میمون و امام محمد غزالی: دکتر ابراهیم قدرتی نوشهر
- قطره ای از دریا «از میلاد امام علی امیرالمؤمنین^(ع) تا رحلت خاتم‌النبین^(ص)»: ولی مردنی
- تأثیر تجارب مشتریان آنلاین و آفلاین در رضایتمندی و افزایش فروش: خلیل بابایی
- پاک‌سرشتی «ترجمه تهذیب‌الاخلاق و تطهیر‌الأعراق»: حسین اشتر
- تایبکران: رضا مرادی خلیفه‌لو
- نقش نیایش در سلامت معنوی و شفای بیماران از منظر قرآن وحدیث: دکتر سهیلا خزایی
- ولایت حضرت علی^(ع) در احتجاج ابن‌بن‌کعب: فاطمه قدسی
- نیایش به روایت قرآن و کتاب مقدس: دکتر حاتم رجبی
- آموزش Unity برای توسعه بازی اندروید «راهنمای طراحی، توسعه و بازاریابی بازی»: دکتر علیرضا صدیقی؛ دکتر رویا صدیقی
- هبوط به روایت قرآن و نهج‌البلاغه: دکتر ابراهیم ابرسجی
- تاریخ فکر فلسفی در اسلام: دکتر موسی ملایری
- سیمای انبیا در قرآن و کتب عهدین: سیمین ریاضتی کشه
- اسماء‌الحسنی از منظر عرفانی با مقایسه تطبیقی حکیم ملاحادی سبزواری و حسین همدانی درودآبادی: دکتر عزت پرچم
- شور زندگی «مجموعه‌ای از اشعار و خاطرات دوران معلمی»: کاظم محمدی
- شیوه‌های تربیتی نوجوان و جوان در کلام امام علی^(ع): صدیقه نعمت‌الهی
- علل برتری ظاهری معاویه در دوران خلافت امام علی علیه السلام: علی‌رضا نظریور
- بررسی جایگاه سیره‌ی عقل‌دا در فقه و اصول فقه: سیدامین موسوی
- معناشناسی «آم» در نهج‌البلاغه براساس مدل ایزوتسو: زهرا خانجان‌خانی
- شاخصه‌های زیست موحدانه با تکیه بر خطبه متقین نهج‌البلاغه: محسن نادى
- مقایسه مفهوم نجات در حماسه بهگودگیتا و آثار مولوی: حسنا عطار
- نظریه بازی، اینترنت اشیاء و شبکه‌های 5G: دکتر علیرضا صدیقی؛ دکتر رویا صدیقی
- گورنگاره‌ها: دکتر سیداسدالله طیب‌زاده
- ویراستاری کاربردی: لعیا هاشمی اقدام
- صفحه‌آرایی کاربردی: لعیا هاشمی اقدام
- مشاوره در قرآن و نهج‌البلاغه: لعیا هاشمی اقدام- دکتر بخشعلی قنبری
- علی^(ع) آموزگار صلح: صدیقه محمدی شکبیا
- اخلاق محیط‌زیست در عهدین و قرآن: سیده زهرا میرحق‌جو
- فرهنگ مهلا: سیدامین موسوی
- تفسیر آینه «خطبه ۸۷ نهج‌البلاغه»: دکتر بخشعلی قنبری
- درآمدی بر تاریخچه عرفان «جلد اول»: لعیا هاشمی اقدام
- نگاهی نو به نگاره‌های شاهنامه: دکتر سیداسدالله طیب‌زاده
- معلم و برنامه‌ریزی درسی: محسن مظفری

نشر نوشناخت منتشر خواهد کرد:

✍ درس‌نامه نهج البلاغه؛ جلد ۳- نامه‌شناخت: دکتر بخشعلی قنبری

✍ درس‌نامه نهج البلاغه؛ جلد ۴- خطبه‌شناخت: دکتر بخشعلی قنبری

✍ تاریخ و نظام دینی مسیحیت: دکتر بخشعلی قنبری

✍ متون دینی و نظام‌های عرفانی مسیحیت: دکتر بخشعلی قنبری

✍ تاریخ و نظام دینی یهود: دکتر بخشعلی قنبری

✍ نظام‌های عرفانی یهود: دکتر بخشعلی قنبری

✍ نظام‌های عرفانی در اسلام: دکتر بخشعلی قنبری

✍ نظام عرفانی شمس تبریزی: دکتر بخشعلی قنبری

✍ نظام عرفانی عین‌القضات همدانی: دکتر بخشعلی قنبری

✍ نظام اخلاقی نهج البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری

✍ نظام عرفانی نهج البلاغه؛ جلد ۱- مباحث نظری: دکتر بخشعلی قنبری

✍ نظام عرفانی نهج البلاغه؛ جلد ۲- مباحث عملی: دکتر بخشعلی قنبری

✍ نظام فلسفی نهج البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری

✍ نظام کلامی نهج البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری

✍ نظام اخلاقی و عرفانی یهود: دکتر بخشعلی قنبری

✍ تاریخ علم اخلاق: دکتر بخشعلی قنبری

✍ علوم در آینه‌ی کلام امام علی^(ع): دکتر بخشعلی قنبری

✍ فلسفه اخلاق در نهج البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری

✍ فلسفه و الهیات یهود: دکتر بخشعلی قنبری























✍ آشنایی با تاریخ ادیان: دکتر بخشعلی قنبری

✍ حجاب و عفاف در کلام امام علی^(ع): دکتر بخشعلی قنبری

✍ تحکیم خانواده در نهج البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری

✍ نطق بی‌بیان؛ مثنوی موضوعی: دکتر بخشعلی قنبری

نشر نوشتاخت منتشر خواهد کرد:

- تربیت در قرآن: دکتر بخشعلی قنبری 
- درخت ریشه‌دار؛ پاسخ به منتقدان نهج‌البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری 
- تفسیر موضوعی نهج‌البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری 
- عقلانیت زن با تأکید بر خطبه ۸۰ نهج‌البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری 
- علوم نهج‌البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری 
- بانگ معنا (معنای زندگی در نهج‌البلاغه): دکتر بخشعلی قنبری 
- تفسیر موضوعی نهج‌البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری 
- تفسیر آینه «خطبه‌های برگزیده»: دکتر بخشعلی قنبری 
- دین‌پژوهی «مقالات کتابشناختی»: دکتر بخشعلی قنبری؛ لعیا هاشمی اقدام 
- سبک زندگی در نهج‌البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری 
- رواق منظر «پیامبر^(ص) در چشم و دل علی^(ع)»: دکتر بخشعلی قنبری 
- رهیافت‌های دین‌پژوهی: دکتر بخشعلی قنبری 
- عربی کاربردی براساس نهج‌البلاغه: دکتر بخشعلی قنبری؛ لعیا هاشمی اقدام 
- رهایی از رنج در کلام امام علی^(ع): دکتر بخشعلی قنبری 
- نهج‌البلاغه آموزشی- باب‌الرسائل: دکتر بخشعلی قنبری 
- آینه پژوهش: دکتر بخشعلی قنبری 
- مجموعه نوشته‌ها و یادداشت‌های شهید عسگر خلفی: به اهتمام لعیا هاشمی اقدام 
- تفسیر عرفانی قرآن: دکتر بخشعلی قنبری 
- دفتر پرسش «گنجینه سؤالات حفظ قرآن»: زهرا ابوترابی؛ دکتر سعیده الوان 
- آفرینش و نجات از دیدگاه اسحاق لوریا و ابراهیم ابوالعافیة: فاطمه مغفوری 
- اسطوره‌زایی و اسطوره‌زدایی: الهام شیرمحمدی 
- تفسیر آینه «خطبه ۱۷۶ نهج‌البلاغه»: دکتر بخشعلی قنبری 
- نقش سلامتی در تقویت حافظه: دکتر حاتم رجبی 